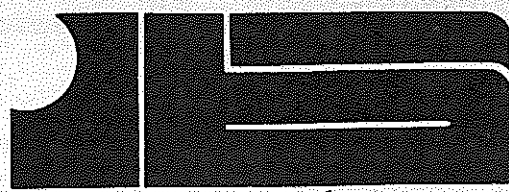


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

نابود باد امپریالیسم جهانی
سرگردانی امپریالیسم امریکا
و پایگاه داخلیش



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۲۰

چهارشنبه ۱۸ شهریورماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۶

سرمقاله
رژیم جمهوری اسلامی
به کجا میرود؟

در هفته گذشته بدنبال انفجاری که در دفتر نخست وزیری صورت گرفت رجائی و با هنر رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس شهریان جمهوری اسلامی بقتل رسیدند، این انفجارها و ترورها که از حدود دو ماه پیش آغاز گردید و طی آن تعداد زیادی از رهبران و سران فعال رژیم جمهوری اسلامی بقتل رسیدند، با گذشت هر روز از بعد از تازهای برخورداری کرده اگر روزی ما به های رسمی دولت را نیز طی دو ماه گذشته ورق بزیم بیشترین ستون روزی ما را اخبار روگزارشهای مربوط به عملیات رژیم نیروهای انقلابی و نیز بازداشتها و اعدامهای رژیم بخود اختصاص داده است. روزی نمیگذرد که در عملیات مسلحانه نیروهای انقلابی برما کزیم و سرکوب رژیم و با حمله به مزدوران آن - دهها تن کشته نشوند و کمترین روزی را میتوان سراغ گرفت که تعدادی از انقلابیون بجرم دفاع از آزادی و آرمانهای توده های زحمتکش و تحت ستم توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی بخاک و خون کشیده شوند.

اکنون سؤالی که برای انبوهی از توده های مردم مطرح است، اینست که سرانجام این اوضاع به کجا خواهند انجامید، رژیم جمهوری اسلامی به کجا میرود، و بالاخره چه کسی مسئول اوضاعی است که اکنون برمیمن ما حاکم شده است؟ رژیم دهنش و جنا بنگار جمهوری اسلامی که پس از گذشت نزدیک به سه سال از قیام دلورا نه خلق جامعه را بسوی بربریت و توحش قرون وسطائی سوق داده است - عوام فریبانه تلاش می کنند تا تیروهای بقیه در صفحه ۲

برنامه دولت با اصطلاح مکتبی
سرکوب، سرکوب و بازهم سرکوب

ریاست جمهوری را سرهم بندی کرد - همزمان با آن کسری نمایندگان مجلس را "چور کرد" و بدنبال آن به تشکیل هیئت دولت "مدد مردم مکتبی" اقدام نمود، خمینی پس از اعلام رای اعتماد مجلس به ۲۱ نفر از ۲۲ نفر هیئت دولت در جمعی گفت که تا بنی صدر بود طرف یکسال و نیم نمیتوانست هیئت دولت را تشکیل دهد و حالا ظرف چند روز هیئت دولت همان انتخاب شد! بقیه در صفحه ۱۵

رژیم جمهوری اسلامی پس از یکبارچه کردن حاکمیت و بیرون راندن جناح لیبرالها از حاکمیت و خلق بنسبی صدر از ریاست جمهوری در شرایط اعمال ترور و اختناق و اعدامها به تشکیل ارگانها و نهاد های با اصطلاح مدد مردم مکتبی پرداخت و آنرا انقلاب سوم نامید. با تهدید و ارباب و تبلیغات و بکارگیری همسنگردهای "شرعی و عرفی" انتخاب بنسبات

قیمت آخر
صفحه ۷

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

اهداف پشت پرده حمله دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی
به آنگولا و توطئه های امپریالیستی در رابطه با:

جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا

آفریقای جنوبی اشغال شده است، در این حملات وحشیانه غیرنظامیان آنگولا لایم صدمات و تلفات زیادی متحمل شده اند. طبق گفته فرمانده نظامی آفریقای جنوبی در این حملات ۲۴۵۰ آنگولائی کشته شده اند. بقیه در صفحه ۹

دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی پس از ماها توطئه چینی، در روز دوم شهریور ماه حملات وسیع و طبق برنامه خود را به استان جنوبی آنگولا آغاز کرد و طی چند روز هشت شهر مرزی آنگولا را اشغال کرد. مطابق اظهارات سخنگوی دولت آنگولا شهرکاتن مرکز استان جنوبی توسط قوای

در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● پروتار و آزادیهای دموکراتیک

● ارگان سازمانی و نقش آن

نمایش مضحکی بنام مصاحبه تلویزیونی

دهمستانه و وحشیانه رژیم تا بدانجا پیش رفت که تمامی نماشگران صحنه چه آنها که مسلمان بودند و اکنون مسلمان تر شده بودند و چه آنان که قبلاً با اصطلاح کمونیست بودند اما در زیر بار شکنجه و به دلیل ضعف ایدئولوژیک و ناتوانی از مقاومت، برای نجات جان خود به فکسر بقیه در صفحه ۱۷

از همان هنگام که با مرگ بهشتی و بدنبال افزایش جو اختناق و سرکوب، نمایشات مضحک تلویزیونی حزبیسون و خائنین اکثریتی و توده های پایسان گرفت، نمایشات مضحک دیگری جایگزین آن شده مصاحبه تلویزیونی با اصطلاح هواداران سازمانها و گروههای انقلابی بود. این نمایشات، به بهای شکنجه های

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

رژیم جمهوری اسلامی به کجا میرود؟

نایدبر میسازد، و برخلاف تمام ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم ضد خلقی حاکم بوده است که آغاز جنگ و اعمال قهر علیه کارگران و دهقانان، علیه خلق کرد، ترکمن، عرب و بلوچ بود و امروز نیز این رژیم جمهوری اسلامی است که میگوید یک جنگ داخلی سراسری را بتخلیق تحمیل رژیم جمهوری اسلامی در مسیری گام برداشت که بعوض تشبیت، بیش از پیش موقعیت اش را متزلزل تر نمود، زیرا اگر چه به نیروهای انقلابی ضرباتی هر چند ناچیز وارد آمد و گرچه سیاست سرکوب و ايجاد محیط رعب و وحشت آن توانست افضی وقت در مبارزات آشکار شدهها پدید آورد، با این وجود سبب فقدان توان سیاسی و اقتصادی، بیعت فقدان یک ماشین دولتی متمرکز، هماهنگ و منجمد سرکوب که قادر باشد بطور سیستماتیک مقهر علیه خلق منوسل شود، موقعیت خود را متزلزل تر نمود، از یک سو بیعت فقدان انسجام و هماهنگی در دستگاه بوروکراتیک - نظامی و فقدان نیروهای کارآمد، ضربات نظامی بر پیکر رژیم زحمله ترور رهبران آن توانسته است در سیستم دولتی حاکم نوعی اختلال ایجاد کند و در همان حال در دل مرتجعین حاکم رعب و هراس پدید آورد و از سوی دیگر بتدریج با عیان شدن ناتوانی روزافزون رژیم، رعب و وحشت اولیه رژیم کارآیی خود را از دست میدهد، چنانچه هم اکنون اخبار وشواهد موجود نشان میدهد که جامعه در آستانه یک جرخش نوین و مبارزات آشکار شده ای قرار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی که اکنون بعینه می بیند تا کشتک اعمال قهر و بتدریج کارآیی خود را از دست میدهد، بحران - سیاسی عمیق ترمی نمود و موقعیت اش - متزلزل ترمی گردید، در برابر برخورد هیچگونه راه عقب نشینی را نمی یابد. رژیم مسیری را برگزید که تمام راههای عقب نشینی آن نیز بسته شد. از این رو بنبر سرگ و زندگی را آغاز نموده و در تلاش است که شعله های جنگ داخلی را که پس از قیام بتناوب در آنجا و آنجا بر فروخته بود، به سراسر ایران بکشد، اما بازم این اقدامات هر چند جنایتکارانه قادر نخواهد بود رژیم را از سقوط و نابودی حتمی نجات بخشد. رژیم جمهوری اسلامی قطعاً بسوی نابودی پیش میرود و لحظات نبرد تعیین کننده هر آن نزدیکتر میگردد.

روبروست که هر اقدام مستعجبه، او را بتدریج در گرداب نابودی فروخواهد دبرد، بنا بر این رژیم بدون توجه به شرایط حاکم موج سرکوب و اختناق، با زداشت و اعدا مهملاتی جنایتکارانه خود را آغاز کرد. تعداد زیادی از مبارزان فرزند انانقلابی خلق را که اکنون تعداد آنها از مرز ده هزار گذشته است با زداشت کرد، قتل و و جنایت را بسپارید خود را در فضا تصور ايجاد دجوار عذاب و وحشت در فاطمه و مساه بیش از هزار تن از نیروهای انقلابی از جوانان انقلابی ۱۵-۱۴ ساله گرفته تا زنان حامله و شخصیتهای برجسته ای چون سعید سلطانپور، فدائی خلق و سعید دستی مجاهد خلق را سخته اعدا میسازد. اما این همه جنایت کافی نبود، رژیم خانات نابودی همه نیروهای انقلابی را دیده بود، بنا بر این تمام امکانات خود را بکار گرفت، همه نیروهای انقلابی را دیده بود، بنا بر این تمام امکانات خود را بکار گرفت، کسی که انقلاب شده با راه سیر راه کشاند کسی که با سوز و آبی سازش کرد و سرسبز شد، کسان امیر با لیسیم را در راس مقامات عالی قرار داد، کسی که در کردستان خود را در سر وی از منافع ایران حکم میبازید، خلق را با در گردآوری نزدیک به سه سال تلاش ما تنها به خود را بعنوان یک شایسته نامزد میسازد، کوه و بیابان کینا و نیروهای انقلابی را ادا کرد و دست ها را دعوت به دعوت سوسیالیستیک کرد، نمود، اما سیر حال این جنایات با تمام ابعاد خود در بنیاد است از ایران، تلالیم و انقلابی، جزیره شیب و آرا مشی، سراسر رژیم ايجاد کند، بلکه تا کشتک اعمال قهر و خونت ارتجاعی رژیم، خشم و قهر انقلابی را برانگیزد، موج عملیات رژیم، ترور، سبک گذاری، حملات مسلحانه به کمیته ها، واحدهای کشتی سرکوب و دیگر نهاد های رژیم گسترش یافت و در این میان ترور سران رژیم بتدریج بخود گرفت که کمتر نمونه ای در تاریخ میتوان پیدا کرد. بنا بر این یکبار دیگر در ایران نیسیز هما شد تمام جوامع طبقاتی نشان داده شد که این طبقات حاکم و دولت های آنها هستند که مقهر علیه خلق منوسل می شوند و این اعمال قهر و بیعت حاکم است که اعمال قهر متقابل انقلابی را اجتناب

بقیه از صفحه ۱

انقلابی را مسئول نایسایا ماندهای موجود و گسترش عملیات قهرآمیز، درگیریهای مسلحانه معرفی کند، تا بدین طریق از یک سوردن توده های نا آگاه اغتشاش و سردرگمی ايجاد کند و از سوی دیگر سیاستهای جنایتکارانه و ضد خلقی خود را علیه خلق و سازمانهای انقلابی بنا م دفاع از امنیت و انقلاب و مبارزه بسا ترور بسپارید پیش برد.

اما واقعیت این است که رژیم جمهوری - اسلامی که از همان فردای قیام با حمله به کردستان، جنگ داخلی را علیه خلق منوسل اعلام نمود، در ادا سیاستهای خود، از مدت ها پیش بمنظور رهایی از بحران سیاسی موجود و مقابله با توده های مردم طرح سرکوب نیروها و سازمانهای انقلابی را تدارک دید، اطلاعیه ده ماهه ای در آستانه کل انقلاب طرح و تصویب لایحه ارتجاعی مربوط به فعالیت سازمانها و گروههای سیاسی، تعطیل همه مطبوعات مخالف و با لایحه استادی که در زمینه سرکوب نیروهای انقلابی مدتی پیش در نشریه کار افشا شد، همه بیاتر مقدمه با سرکوبی بود که با بخون کشیدن تظاهرات ۳۰ خرداد و اعدا و وحشیانه نیروهای انقلابی بمرحله اجراء آمد. رژیم در این تصور باطل بسر میبرد که بدین طریق قادر خواهد بود، سازمانهای انقلابی را درهم شکنند، توده های زحمتکش کارگر، دهقان و دیگر اقشار خلق را سرکوب نماید و از زنده زنده با زدا و بدین طریق خود را از شر بحران وخیم موجود نجات بخشد، اما بنا بر سیرت المثل مشهور که در دنا شایه کارگزاران میزند "رژیم جمهوری اسلامی نیز دست به یک تقلید نا شایسته و احمقانه از زدگ سنتها ذره ای از این ابداع بحران سیاسی موجود نکاست، بلکه بالعکس به تشدید بحران و تسریع سرنگوی آن انجامید. رژیم جمهوری اسلامی که دیده بود رژیمهای ضد خلقی در مواردی توانسته اند با منوسل به سرکوب و قهر علیه توده ها و سازمانهای سیاسی موقعیت متزلزل خود را مستحکم سازند، دست به تقلید نا شایسته این تاکتیک زد، اما درک نکرد که با چنان وضعیت، از و خامت بحران اقتصادی و سیاسی تشدید بی سابقه تها و مبارزه طبقاتی

کرمانشاه

رفقای هرادا سازمان در کرمانشاه با انتشار اعلامیه ای در هفتم مرداد خبر از اعدا مساع انقلابی در زندان دیزل - آباد کرمانشاه میدهند و می نویسند: زحمتکشان آگاه و همشهریان عزیز! با شلیک گلوله های جلا، ان رژیم جمهوری اسلامی در زندان دیزل آباد، سپیده دم یا زده هم مرد دشا هدیه خون نشستن ۳ ستاره درختان در آسمان -

خونین و پر غرور شهرمان بود که طلوع صبح رها تی کارگران و زحمتکشان را نبود میدادند. در آن سرگاه خونین مجاهدین خلق کاظم میرزائی و علی میفروری نیسا و کمونیست بیکار و رفیق ویکتورییا دولت شاهی به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و آزادی و استقلال کشور مبارزه شیبی بیامان علیه امیر با لیسیم جهانی به سرکردگی آمریکا و پیگاه داخلی بدست درخیمان رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدا سپرده شدند و سینه های گرمشان که سرشار از عشق به زحمتکشان بود ما ج -

گلوله های آمریکائی با ساران سرمایه قرار گرفت و خون با کتان سیده دمان را گلگون تر کرد. اما چه باک که خلق از این فرزندان انقلابی و وزمنده بسیار پرورش خواهد داد پس بگذارت رژیم هر چند که میخواست هدکشان کند، زندانها را از انقلابیون بینبارد، بیشک این اقدامات تنها شمشیر شادان رژیم را با ترور سوارشان خواهد ساخت و ما هیت ضد خلقی شان را روشن تر خواهد نمود.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

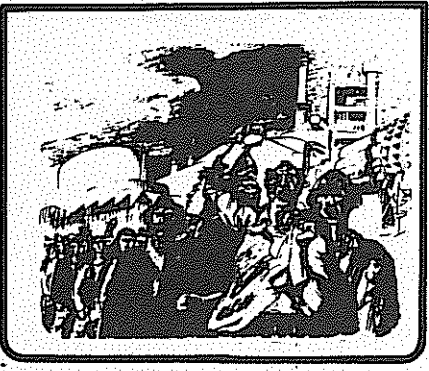
نسخته ای از اقتصاد بالایی ها درون کارخانه

در هفته دوم مرداد ماه انجمن اسلامی داروپخش طی اطلاعیه ای به باقی ای مناقی در پست ریاست وزارت بهداشتی اعتراض کرد، و اعلام کرد که، تابکناری و کلیشه فعا لیتهای اداری و رسمی اش تعطیل خواهد بود. این اطلاعیه از طرف مدیریت کارخانه بی جواب نماند. مدیریت طی اطلاعیه ای اعلام کرد، که در این موقعیت و شرایط، مخالفت با وزراء و برکناری آنها را خواستن، در جهت منافع آمریکاست و یک عمل ضد انقلابی است. در ضمن از مناقی وزیر بهداشتی حمایت کرد، انجمن اسلامی مجدداً "در هفته های بعد" اطلاعیه مدیریت جواب داد و ضمن محکوم کردن مدیریت غیر مکتبی خواندن مناقی بر موضع قبلی خود و تعطیل فعالیتها یشان با فشاری می کند، این درگیریها ادامه پیدا می کند، تا اینکه زور مدیریت بر انجمن میچربد و فرخی رئیس انجمن اسلامی داروپخش که گویا سخنگوی انجمنهای اسلامی دارویی نیز می باشد، توسط هیئت مدیره کارخانه به گرم کار ری و ضدا انقلابی بودن اخراج میشود. بدنبال اخراج فرخی، ۱۹۲ انجمن اسلامی طی اطلاعیه ای ضمن محکوم کردن اخراج فرخی، او وی حمایت می کنند. این اطلاعیه در جمهوری اسلامی سه شنبه سوم شهریور به چاپ میرسد. بعد از اخراج فرخی رئیس انجمن اسلامی، انجمن ها یکنواختاً با افتاده و با راه افتادن دور بخش ها، به گدایی امضاء برای بازگرداندن فرخی مزدور به کارخانه می پردازند. انجمنها و خائنین سینه چاکشان، اکثریتی ها و نوده ای ها، و رقه را امضاء می کنند، ولی کارگران اکثراً از امضاء و رقه خودداری می کنند. یکی از کارگران در این رابطه می گفت: "اینها هر موقع خوش هستند تا می توانند با هدیگر به سر ما می زنند، هر موقع هم که دعوا یشان بشود، ما را سبیلای خودشان می کنند." کارگر دیگری می گفت: "چطور وقتی یکی از ما ها را اخراج می کنند، نمی آیند امضاء بگیرند، ولی وقتی آن آقا را اخراج می کنند، و از خودشان هم هست به جنب و جوش افتادند و دوره گردی و گدایی امضاء می کنند." در این بین، کارگران که از اخراج رئیس مزدور انجمن اسلامی بسی انداز خوشحال بودند، اکثریتی ها را که ما تم کوفته بودند، به یاد تمسخر میگیرند، یکی از کارگران عکس یک قلب شکسته و تیر خورده را کشیده و ضمن نشان دادن به یکی از اکثریتی ها، به او می گوید: "ببین این قلب توست که شکسته شده، اکثریتی با کمال تعجب می پرسد، چرا؟ کارگر در جواب میگوید: "چون فرخی جونت را اخراج کردن و دل تو را شکستند و دیگه دیوار پوچ تو هم شکست. بر خورد - کارگران با این مسئله نشان از آگاهی رویه افزایش آنها دارند، آنها بخوبی درک کرده اند که به انجمن ونه مدیریت هیچکدام به نفع آنها کار نمی کنند، بلکه فقط در درگیریها یشان با یکدیگر، از آنها استفاده می کنند. کارگرها همچنین اکثریتی ها و نوده ایهای خائن را هم خوب شناخته اند و بدترستی با آنها برخورد می کنند و آنها را از خود می رانند،

اخبار کوتاهی از شرکت واحد

الف - فشارهای اقتصادی - کاهش حق مسکن و اضافه کاری
از زمانیکه اعطای شورای مرکزی شرکت واحد دستگیر و روانه زندانهای رژیم جمهوری اسلامی شده اند هر روز - مدیریت مکتبی با کمک انجمن اسلامی بخشی از حقوق مسلم کارگران را از آنها می رباید، و این وضع در غیاب شورا های قبلی همچنان ادامه دارد. اخیراً مدیریت طی بخشنامه ای اعلام داشته است حق مسکن افرادی که بیش از ۱۵۰ تومان در روز حقوق دریافت می کنند از ۴۰۰ - تومان به ۳۰۰ تومان تقلیل داده - میشود و بدین ترتیب ما هیا نه ۱۰۰ تومان از حق مسکن کارگران کسر کرده است. در ضمن ۶۰ ریال اضافه دستمزد تصویبی برای کارگران نیز هر چند مقدار نا چیزی است اما هنوز با آنها پرداخت نشده زیرا مدیریت میخواهد بنا به میل خود به برخی ۶۰ ریال و به عده ای ۴۰ ریال و به تعدادی نیز ۲۰ ریال اضافه دستمزد بپردازد. البته این عدالت اسلامی بخوبی میتوانند نما یا نگر مقاصد شوم مدیریت در ایجاد تمایز بین کارگران باشد. زیرا در مورد اضافه کاری نیز مدیریت برای سرپرستان خود یعنی رؤسای تعمیرگاهها ۱۰۰ ساعت و معادلین آنها و کارشناسان فنی ۶۰ ساعت اضافه کاری پرداخت می کنند در صورتیکه برای کارگران بدخواه خود و بر حسب ضرورت مکتبی اضافه کاری میپردازد. در عین حال انجمن اسلامی میکوشد با زور و تهدید، شورای اسلامی درست کند.

ب - امضای اجباری برای شورای اسلامی انجمن اسلامی شرکت واحد برای موجه جلوه دادن اقدامات خود جهت برگزاری



یک انتخابات قلابی و ایجاد شوروی اسلامی که مورد تائید کارگران نیست به زور و تهدید متوسل شده است. بدین ترتیب که اسمی کارکنان را در لیستی با شماره کارت آنها تهیه نموده و تکلیف از آنها امضاء میگیرد تا این طومار را به حساب تقاضای کارکنان برای شورای اسلامی بگذارد. در صورتیکه نمایندگان واقعی کارگران هم اکنون در زندانهای رژیم بخاطر دفاع از منافع کارگران به بند کشیده شده اند.

ب - اعتراض بخاطر کسر اجباری یک روز حقوق کارگران:
هفته گذشته یک روز از حقوق کارگران را بدستور مدیریت برای کمک به زلزله زدگان کسر کرده اند. این کار موجب اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. است. زیرا در شرایط بد و اضلاع اقتصادی و با گرانی سرسام آور قیمتها، کسری روز حقوق کارگران برایشان جبراننا پذیر خواهد بود. از اینرو کارگران یک تجمیرگاه فیش های حقوق خود را به نماینده خود ارائه داده و از او میخواهند که حقوق کسر شده به آنها پرداخت گردد. کارگران می گفتند: ما اگر لازم باشد خودمان به زلزله زدگان کمک خواهیم کرد.

اعدام کارگران انقلابی

زده است. این رژیم ۶ تن از کارگران این کارخانه را بجرم واهی اعدام نموده است. در میان این کارگران اعدامی، نماینده کارگران در شورای کارخانه نیز حضور داشته است. اعدام این کارگران انقلابی، خشم و نفرت کارگران کارخانه پارس الکتریک را برانگیخت، آری خشم و نفرتی که طبقه کارگران را چون فولاد در میاز آبدیده میکند، طبقه کارگران ایران تا به امروز در راه مبارزه برای رهایی خویش قهرمانی های فراوانی داشته است و در این میان فرزندان برومندی از طبقه کارگر بدست جلاخان - سرمایه به خون کشیده شده اند. اما این اعدامها و سرکوب های خونین طبقه کارگران از مبارزه با زمیندار و رنیکه این طبقه با گامهای موزون و سنگین خویش به پیش میروند و در اتحاد با سایر زحمتکشان خلق را از چنگال خونین رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی رها میزند و سرانجام بروی آنها نه های رژیم سرمایه دار و سوسیالیسم را بنا می نهد و بساط بهره کشی را برای همیشه بر خواهد داشت.

رژیم جمهوری اسلامی در پی یورش لجام گسیخته به دستاوردهای قیام خونین خلق بیش از پیش سیاست سرکوب جنبش کارگری را هر چه گسترده تر سازمان داده است. در همین رابطه به شیوه های گوناگون اخراج، دستگیری، زندان و حتی اعدام کارگران متوسل شده است. اخراج و دستگیری های دسته جمعی کارگران در تیرماه اوج بیسابقه ای یافت، یورش به منازل کارگران، دستگیری کارگران - جلوی درگاهانه، دستگیری دسته جمعی کارگران از درون کارخانه ها از شیوه هائتر بود که این رژیم بکار گرفته است.

از جمله رژیم جمهوری اسلامی حدود ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه پارس الکتریک را در تیرماه دستگیر کرد، عده زیادی از این کارگران هنوز بعد از گذشت بیش از دو ماه در زندانهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بلا تکلیف بسر میبرند. عده ای از این کارگران از کارخانه اخراج گشته و کار خود را از دست داده اند. در هفته های گذشته رژیم جمهوری اسلامی دست به عمل وحشیانه و سنگین

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

۳ خبر از اسکوئیب

در هفته اول شهریور حدود ۴۵ تا ۵۰ نفر از کارگران یک قسمت، مدت هذقیقه به عنوان اعتراض به ندادن کارمل پول اضافه کار و دست از کار کشیدن که بسا مداخله بلافاصله مسئولین به سرکار باز گشتند، مسئولین قول دادند که شنبه هفته آینده این پول پرداخت خواهد شد. لازم به تذکر است که مزد سه ساعت اضافه کاری، چهار رو نیم ساعت حساب میشود و مدیران فقط پول سه ساعت را بکنند. کارگران پرداخته بودند و کارگران - خواهان پرداخت مزد ۱/۵ ساعت باقی مانده بودند. کارگران مبارز اسکوئیب با پدیده موزند که با مبارزات متشکل خود خواهان افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری و استفاده مبارکان باشند.

بدنبال تعطیلی رستوران کارخانه در ماه رمضان، کارگران خواهان پرداخت پول نهار در طی این مدت میباشند. و به ندادن این پول معترض هستند. کارگری میگفت: در کارخانه های دیگر این پول را داده اند ولی اینجا نمیخواهد

این پول را بدهند و می خواهند خودشان این پول را بخورند. کارگر دیگری میگفت: مگر ما گفتیم که رستوران را ببندید، خودشان بستند و حالا نوبت به پولش را بدهند.

رژیم جمهوری اسلامی به یاری نوکرانش در کارخانه ها، حتی از پول یک مساه باها را کارگران هم نمی گذارند و میخواهند از این طریق نیز کسبه های خود را پرتتر نمایند. ولی دیری نخواهد گذشت که کارگران متحد و متشکل در مقابل آنان می ایستند و نخواهند گذاشت این چپاولگران به مزدی خود را داده دهند.

بدنبال اضافه شدن نیم ساعت به سه ساعت کار کارگران این کارخانه - کارگران شدیداً معترض میباشند. کارگری میگفت: خیلی حقوق درست و حسابی به ما میدهند تا زه ساعت کار را هم اضافه کرده اند. عده ای از کارگران خواهان تعطیل شدن در ساعت ۴ بودند که در اینجا انجمن ها این نوکران دولت سر ما به دارا و جبار رستاخیز به دفاع از اربابان خود پرداخته و طبق معمول جنگ را بهانه قرار داده و میگفتند مکان نهار در در این صورت با بدین جنبه ها تا ساعت ۱۲ کار کنید.

کارگران مبارز اسکوئیب با پدیده ای ۴۰ ساعت کار در هفته و در روز تعطیلی مبارزات متشکل خود را به پیش برند.

اعتصاب نیروی تولید کارگران

ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۸ شهریور کارگران دسته دسته از نهار خوری بطرف محل کار خود بازمی گشتند، در گوشه ای - ۳۰ نفر تجمع کرده بودند. عسادی بنظر میرسید. کارگری می پرسید: چرا در این ماه سه روز از حقوق ما کم کرده اند مسئول کارکنان در جواب گفت: شما میبایست شنبه ساعت ۱۰/۳۰ کارت بزنید. ما ۱۵/۱۵ هر شب کارت زده اند. کارگران از این جواب برآشفتنده، زمزمه اعتراض بلند شد. بسرعت این خبر در قسمتها پخش شد. کارگران میگفتند: مگر کارکنانی نیست که شما همه هم به آنها از حقوق کم میکنند؟ مگر ما به تعداد تعیین شده بخیال ردمی کنیم؟ در ابتدا قسمت های شارژینگ مونتاز و کنترل مرغوبیت دست از کار کشیدند، و مانع از روشن شدن خط مونتاز شدند. جاسوسان انجمن اسلامی به تکلیف افتادند. آنان که انتظار این حرکت را از جانب کارگران نداشتند به تفرقه افکنی پرداختند. اما در آخر کار کارگران این اعمال نفره! نکنند غنچه شد. در پایان به کارگران و نژاده داده شد که اگر به سرکار باز نگردند، سه روز حقوق کسر شده به آنها باز پرداخت خواهد شد. اما کارگران گول این وعده و وعده را نخوردند و گفتند: تا زمانی که از بلندگو اعلام نشود آنان بسرکار باز نخواهند گشت. بالاخره به نیروی اتحاد و مبارزه یکپارچه کارگران کارفرما و انجمن اسلامی مجبور به پذیرش خواسته کارگران گردید و در ساعت ۲/۵ از بلندگوها اعلام شد که خواست کارگران اجرا خواهد شد و به این ترتیب اعتصاب بسا پیروزی به پایان رسید.

وزارت نفت

از اقدامات وزیر جدید نفت مهندس غرضی، در عرض مدت کوتاه وزارت ایشان، یک سخنرانی در باب لایسگاه تهران، قطع حق کارگماهی و لغو تعطیل پنج تنبه ها بوده است. وزیر جدید نفت که در سخنرانی خود در باب لایسگاه به سواقی در شان خود در مدت استانداری خوزستان نیز اشاره نموده است، طی سخنرانی و پاسخ به سئوالاتی که از سوی کارگران مطرح می شد کینه و نفرت کارگران را نسبت به جمهوری اسلامی دامن زد و در جهت تامین منافعی هر چه بیشتر کارگران و تامین رفاه و آسایش! برای آنها نقداً حق کارگماهی را که تقریباً "معادل هاد حقوق - ماهیانه آنها می شود، قطع نموده و تعطیل روز پنج شنبه را نیز که کارگران بسا مبارزات دلیرانه خود بدست آورده بودند لغو کرده است. اقدامات بعدی او بطور قطع ثابت خواهد کرد که او نیز مثل سایر چهره های این رژیم عصری فدکارگر و دشمنان زحمتکشان ایران است.



چند خبر از تولیدارو

دراواخر مرداد ماه یکی از پاسداران رژیم که در یکی از کارخانه های وابسته به گروه سرما به گذاری الیز (تولیدارو تکنومناج، سیانا مید، کیوان، تولی پرس ۱۰۰۰) کار می کرده توسط کارگران انقلابی در بیرون کارخانه ترور می کرده. هیئت مدیره شرکت طی اطلاعیه ای، ضمن محکوم کردن ترور این پاسدار، از اودفاع میکند. کارگران که از مرگ این پاسدار خوشحال بودند به اطلاعیه مدیریت میخندیدند. رژیم ضد خلقی و مدیران مزدور با بسا بداند که جوانه های خشم انقلابی کارگران در حال شکفتن است و دیگر اطلاعیه ها و سعی در فریفتن کارگران کاری از پیش نمی برد.

کارگران انقلابی تولیدارو

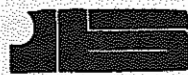
بدست پاسداران سرمایه ترورشند.

در پی بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی و یورش وحشیانه رژیم به کارخانه ها، ادارات، محلات و... و دستگیری و کشتار مردم انقلابی ما، این برنامه، هفته دوم تیرماه در کارخانه تولیدارو نیز اجرا شد. رژیم چنانکه با یورش به این کارخانه چندتن از کارگران انقلابی را دستگیر و زندانی کرد. یکی از آنها بنام حسین اسراهیمی

بعد از سه روز بازداشت در کمیته نعمت - آبا دادند. هنوز چند روزی از آزادیش نگذشته بود که در خانه ای، واقع در کرج که مورد یورش پاسداران سرمایه قرار گرفته بود، شهید شد. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که مرگ خود را نزدیک می بیند با آلودن دست خود به خون این کارگران و زحمتکشان انقلابی روز بروز چهره کثیف خود را بیشتر ترسیده نمایش میگذارد و پیش از پیش به خشم توده های مردم می افزاید. تجربه های تاریخی و از جمله سرنوشت حکومت شاه نشان داد که رژیمهای متکی به سرنیزه و سرکوب، هر قدر می که در جهت سرکوب گسترده تر مبارزات توده ها بر میدارند بیشتر در سراشیب سقوط سرازیر میشوند.

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

در کارخانه ها برچیده شده بود



پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک (۶)

پرولتاریا و متحدانش

مقاومت روستائیان دربار زورگوییهای رژیم

خوش نشینان و کشا ورزان کمزبین روستاهای گیوان، قشلاق، پیرمحمد، چنگیزه و کشکیموسفلی و قمر در میرجا ده شوسه کامیاران بهمنفرگلیا، شهرپورسا ۵۹۰ زمینهای مالکین و فئودالهای منطقه را معادله و تقسیم کردند. (هیئت هفت نفره) نیز با توجه به شرایط ویژه این منطقه، مجبور شد بطور ضمنی این حرکت را تأیید کند.

بعد از شروع جنگ ارتجاعی و غیرعادلانه بین دولتهای ایران و عراق، مالکین این روستاها که جها نشاه، محمود و بهمن امیری بیگوند بودند، به بیجا نه بسیج عشا بر منطقه، تعدادی پادار در درویش گهوانا منتظر کردند و با مشاهده اوضاع دهقانان، از تصمیم خود مبنی بر تصرف مجدد زمینها منصرف شده و روستا را ترک کردند. اما دست از دسیسه چینی و توطئه برنداشتند. در اوایل سال جاری، دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاها حکامی مبنی بر استرداد زمینها به مالکین صادر کرد. از این میان، جها نشاه، با حمایت پاداران سرما به، توانست زمینهای خود را پس بگیرد. اما اهالی روستاهای دیگر در مقابل این اقدام ضد خلقی رژیم مقاومت کردند. اخیراً دادگاهها از طریق دیگری به فکرتا مین متافع زمینداران افتادوا دهقانان خواسته است به مالکین بهره مالکانه بپردازد. دهقانان روستاهای مذکور همچنان به مقاومت خود در مقابل زورگوییهای رژیم ادامه می دهند.

بدون پرولتاریا و کمونیستها قرار داد کمونیستها هرگاه درک درستی از وضعیت و گستردگی اقشار و طبقات شرکت کننده در مبارزات دمکراتیک داشته باشند بدستی درک خواهند نمود که تنها تبلیغ در بین کارگران در مبارزات دمکراتیک کافی نیست، بلکه با بدداریا تمام می خرد به تبلیغ پردازا خت. تنها بسیج و تشکیل بخشیدن پرولتاریا و طبقه ما نیست، بلکه با بدداریا تمام می خرد را به گرد پرچم پرولتاریا متحد نمود. توضیح این قضیه که کارگران در معرض ستم سیاسی قرار گرفته اند کافی نیست. ... با بدداریا هر یک از مظاهر شخصی این ستمگری به طبقات بسیار مختلف جا معواردمیابد، چون این ستمگری در شتون بسیار مختلف زندگی و فعالیت، خواه در حیات حرفه ای، خواه کثوری، خواه شخصی، خواه خانوادگی، خواه مذهبی و خواه علمی و غیره مظاهر میگردد. در این صورت آبی روشن نیست که هرگاه ما سازمان کارا قشای همه جا نیه حکومت مطلقه را از لحاظ سیاسی بعد از خویشتن نگیریم طبقه خود را که بسط و تکامل آگاهی طبقاتی کارگران است انجام ندهیم؟ (لنین - چه با بدداریا) باید بیگیرانه به توضیح این مساله پرداخت

که طبقه کارگر تنها طبقه ای است که زیر فشار و ستم رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. دهقانان ایران تحت فشار زندگی طاقت فرسا و بار دیوانه و قروض خود همواره در خطرنا بودی هستند، توده های خلق زیر بار مالیاتهای سنگین و روزافزون، گرانی، تورم، بیکاری، عوارض جنگ و از جمله آوارگی گمراه گردانند، فروشنده گان و کسبه خرد، با دهکده ران و دستفروشان در عین اینکه زبیر فشار گرانی و هزینه سرسام آور زندگی دست و پا میزنند و دیوبیکاری همواره تهدیدشان میکنند و دیوبیکاری نیروهای سرکوب رژیم قرار دارند. ... کارمندان جزء ادارات همواره در معرض آزار و بیکاری ریندد و عین کارمندان حقوق مزایایشان کاسته میشود و محیط اختناق ادارات هرگونه آزادی آنان را سلب کرده است. سرپا زان و درجه داران جزء پرسنل نیروهای نظامی به زرفشار چکمه فرماندهان و در زیر یوغ نظامی طاقت کور کورانده دست و پا میزنند و به "برکت جنگ" "نظم آهنین" و تشبیهات آریا مهری نیز هر چه سر بیختر در حال رشد و شکل گیری است. روشنفکران، دانشجویان، استادان و ... به شدت مورد سرکوب و تحقیر قرار دارند. تعطیل مدارس، تشنگیها، همه هازار دانشجویان آوار و بیلاکتگی کرده است. سیاستهای ضد علمی و ارتجاعی رژیم حاکم بر بدداریا هم تحصیل کردگان و روشنفکران فشار میآورد. دانش آموزان زیر فشار رتفیش عقابند. آزار و سرکوب قرار دارند و حاکمیت خلق هرگونه فعالیت منافی سیاسی را از آنان سلب نموده است. دروس ارتجاعی با بسز با است و کجوترین اعتراضی با سرکوب - مقابلت میشود. زنان در شدیدترین فشارها و تحقیرها قرار گرفته اند، حقوق نا برابر اجتماعی، مزد کمتر برای کار یکسان با

پرولتاریا در مبارزات خود بر ضد "طبقه سرمایه دار" و "تبر ضد حکومت مطلقه" و دیکتاتوری، با رای متحدان متفاد و متسی است. تنها متحد پرولتاریا در مبارزه سوسیالیستی نیمه پرولتاریا و شهروستاست. زیر آ در میسایا رزه سوسیالیستی - یعنی مبارزه جهت نهادن رژیم طبقاتی و ایجاد جامعه سوسیالیستی - تنها اقشار و طبقاتی شرکت میکنند که منافع خود را در نا بودی استثما فردا ز فردا بسودی مالکیت خصوصی برابر تولید می بینند. تنها کسانی به این مبارزه بر می خیزند که خود مورد استثما روبره کشی سرمایه قرار دارند، خود نیروی با رویش را میفرسند و لهدا برابر تولیدی را در تسلک خصوصی نداد رندوا ز دیگران بهره کشی نمی کنند. فقط پرولتاریا است که با رای یکنیمن - مشخصا است و نیمه پرولتاریا نیز از این جهت که در مقابلت نیروی خود را معواردمیابد و فروشد و خود نیز نیروی کار بهره کشی نمی کند. در این راه ما میزنند "پرولتاریا با پیدا انقلاب سوسیالیستی را به انجام رسانند و بنیادین طریق که توده عناصر نیمه پرولتاریا را اهالی را بخود ملحق کنند" بتوانند نیروی مقاومت بورژوازی را جبراً درهم شکنند و پیگیری دهقانان و خرد - بورژوازی را فلج سازد" (لنین - دو تاکتیک سوسیال دمکراسی) اما کارگران در مبارزه دمکراتیک تمام می خرد، تمام می کنند، تمام می خرد و بر ضد نظم موجود دست به مبارزه انقلابی میزنند. به همراه دارند. در اینجا دیگر فقط پرولتاریا نیست که در نا بودی دیکتاتوری دینفع است، تمام می کنند، تمام می خرد و دینفع بدداریا خود حسی می کنند، دهقانان که در رابطه با خواست جاده سفالته برای روستادار مقابل استناداری مضروب و دستگیر میشوند دانش آموزان که بخاطر مبارزه جهت کسب آزادی فعالیت منفی - سیاسی کشتار میشوند، دهکده های روزه مورد دیوبورش قرار دارند. علمای که بر اثر سیاستهای ارتجاعی رژیم اخراج میشوند و آزادی او در سرکلا با با عیال میگردند کارمندی که در محیط کار زیر فشار اختناق قرار دارند، دانشجویان که در آزادی خواست بازگشایی دانشگاه، در آزادی خواست دانشگاهی شورایی، آزاد و مردمی کشتار میگردند، روشنفکران که کتاب، نوشتجات و نشریاتش تحت سانسور سیاسی حق چاپ منفی یا بد، توده های که در خانه خود نیز امنیت ندارند و تحت شدیدترین سیاستهای اختناق خانگردی، ماشین گردی و خیابان گردی قرار دارند، مردمی که فرزندانشان بعلت نگهداری نشریه، بیوستریا، و بعلت بحث در نا توبوس و نا کبی، بعلت پیش ترا کبی و اعلامیه، بهره لست پیو بدیگرا عدام کشتار میشوند. نیا ن سیاسی که مورد وحشیانه ترین شکنجه قرار دارند. ... همه و همه در مبارزه بر ضد دیکتاتوری دینفعند و از این رو در این راه متحد پرولتاریا محسوب میشوند.

مردان، عدم وجود حق انتخاب شغل، حساب اجباری، نا برابریهای حقوقی، حق طلاق یکجا تبه برای مردان و سایر سیاستهای ارتجاعی حاکمیت آنها را بشدت تحت فشار قرار داده است. خلقهای ایران که ما لهنای برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش نیاز به کرده اند هنوز زیر ستم معارف قرار دارند و اکنون بشدت کشتار میشوند. خلق مبارز و زیر ستم ورا کت زندگی میکنند و به همراه غلظت عرب، ترکمن، بلوچ، ترک و سایر خلقهای ایران حتی از ابتدائی ترین حقوق خویش چون حق تحصیل به زبان مادری محرومند. اقلیتهای مذهبی شدیدترین فشارها را تحت سیاستهای ارتجاعی رژیم تحمل می کنند. آنها بشدت در سخنرانها و نطقها تحقیر میشوند، حق داشتن مدارس ویژه از آنان سلب شده، در ادارات موا ردمتعده ای از تصفیه آنان دیده میشود، در آگاهیهای استخدا می شرط مسلمان بودن حق انتخاب آزاد شغل را از آنان سلب کرده، در عین حال که مجلس ارتجاعی نیز رسماً "قوانین بر ضد آنان می گذارد و هرگونه حق برابر بر اجتماع با بر شهروندان عملاً از آنان سلب شده است. ... تمام می این اقشار و طبقات که تحت فشار رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند دمکراتیک هستند و در نتیجه و طبقه سازماندهی آنان خول پرچم طبقه کارگر بر عهده ما است. در سازمان کارا قشای همه جا نیه حکومت مطلقه (بخوان حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی) را از لحاظ سیاسی بعد از خویشتن نگیریم طبقه خود را که بسط و تکامل آگاهی طبقاتی کارگران است، انجام ندهیم؟

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیستاز مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

"ارگان" سازمانی و نقش آن (۳)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه کار - سازمان دهیم

به این جنبه مسأله بهایی داده و به آن - برداخته است اما نشریه کار در این مورد کوتاهی بسیار نینموده است و به هیچ عنوان - در حد توان موجود در دنیا زهای جنبش نقش خود را در این رابطه ایفا نکرده است که میدوایم بتوانیم سرعت این تقیصه را بر طرف سازیم .

ب: نقش سازمان دهنده ارگان بعنوان محور فعالیتها و تشکیلات :

وجه دیگر نقش ارگان در رابطه با سازماندهی که میتوان گفت مکمل تمامی وظایف ارگان است بدون شکل گیری آن سازماندهی بی پایه و اساس خواهد بود. سازماندهی حول ارگان است یا بدین معنی این سخن چیست ؟

اینکه که با نقش ارگان بعنوان مبلغ و روح آشنا شده ایم بخوبی میتوان این وجه مسأله را شکافت. مختصراً "میتوان گفت نشریه با ید تهیه گرد و سپس توزیع شود در این رابطه نیز به سازماندهی وجود دارد. اولاً هیچکدام از دو امر تهیه و توزیع بدون یکدیگر معنی نمیباید. مثلاً "نشریه هر چند خوب و غنی و پر محتوا تنها هنگامی با زتاب عملی خود را میابد که بدست کارگران و زحمتمندان و بدست خوانندگان برسد. ثانیاً "شاید در ذهن خواننده خطور کند که مسأله چندان مهمی نیست تهیه نشریه را هیئت تحریریه بعد از اردو توزیع آن نیز توسط بخش دیگری انجام میگردد. و در نتیجه سازمان لازم برای ارگان در همین دو بخش خلاصه میگردد و ارگان نیز این وجه از نقش سازماندهنده خود را با یکد بروری این دو بخش متشکل سازد. روشن است که این تصور باطل و خطاست.

تمامی تشکیلات، تا آخرین رفیق و تا آخرین هسته و تشکل، سازمانی را تشکیل میدهند - یا بدین معنی که تهیه و توزیع نشریه "ارگان" را بر عهده دارد.

از قضا روپیقات مختلف خلق دیگر توهمی نسبت به رژیم ندارند، در زمانیکه که کشتارها و سرکوبها و رژیم خوار ستیهای دمکراتیک توده ها را در وجه نخست قرار داده است. نقش سازمانهای پیشرو در رابطه با سازماندهی تشکیلات و سازماندهیهای دمکراتیک بسیار خفیه است و در این لحاظ نبودن تجربه مینازات دمکراتیک و تشکیلات سازمانهای دمکراتیک ضربات جبرانناپذیری بر پیکر جنبش زده است که مسلماً "تداوم آن خطرات بزرگی برای تشکیلات و مینازات توده ها و انقلاب در پی خواهد داشت. در این شرایط نقش بس مهم ارگان در تئوریزه کردن اصول سازماندهی سازمانهای دمکراتیک و مینازات دمکراتیک توده ها بروشنی مشخص میگردد.

بهر رو بقیول کمینترن "این هدف روز - ناما مینباید شد که تجربیات گرانمایه ای - اعضای حزب را جمع آوری کند و هماهنگی را برای رفقایمان با زگوشما بدتا مثل یک راهنما پیوسته باعث تجدیدنظر و بهبود روش کارهای کمونیستی باشد. بدین طریق روزنامه بهترین وسیله سازماندهی در کار انقلاب ما خواهد بود." (اصول تشکیلات - حزب - کمینترن). سازمان از ابتدای - جدایی تشکیلاتی و پالایش سازمانی خود در جهت تحقق بخشیدن به این نقش ارگان سازمانی - نشریه کار - حرکت کرد. سری مقالات تحت عنوان "سازمانها و دمکراتیک توده ای" و همچنین مقالاتی چون "پیرامون کار مخفی و علنی" و "در باره صندوق بیگاری، وظایف نوین سازماندهی نوین سازمانها و دمکراتیک و بسیاری از رهنمودها و سازمانی در این جهت بوده است. همچنین بخش - کارگری نشریه کار زکوشیده است تا تا تجارب حاصل در مینازات کارگران را جمع بندی - نموده در سطح جنبش ارائه دهد. سری مقالات بررسی مختصری از جنبش کارگری در دو - سال اخیر و بررسی جنبش کارگری در یکسال گذشته و سایر مطالب، در خدمت این امر بوده است. اما با پیداعن داد است که هر چند در سطح جنبش کمتر سازمانها یا گروه دیگری

ارگان، سازماندهی یکی از بر اهمیت ترین وظایف ارگان که کمترین پواخته شده است (و میشود) نقش ارگان بعنوان - سازماندهی است. بهمین علت نیز سعی کنیم بشکلی مفصلتر این بحث را بررسی کنیم. نقش ارگان در رابطه با سازماندهی تشکیلات را میتوان به دو وجه متمایز تقسیم نمود. الف: انتقال تجارب عملی و ارشد رهنمودهای تئوریک در رابطه با سازماندهی ارگان میتوان در این زمینه موثری در این رابطه ایفا کند. عدم درک این وظیفه حساب و پراهمیت ارگان (که متأسفانه در سطح جنبش با آن مواجیم) در حداقل زبان خودیسه هدر رفتن نیروهای جنبش میانجامد. تشکیل یک صندوق اعتبار در یکسک کارخانه (و یا صندوق بیگاری) در شرایط فعلی در عین ضرورت مبرم خطرات بسیار را در رابطه با کارگران پیشرو در بردارد که در بسیاری اوقات ممکن است به تخممنسل ضربات از سوی پلیس میانجامد. حال در چنین شرایطی هرگاه ارگان نقش خود را در هدایت سازماندهی تشکیلات صندوق - ارانها نباشد تا تئوریک لازم در اینجهت، ارائه تجارب عملی موجود در این باره و ... ایفا نکند روشن است که نمیتوان سخن از ارگان، سازماندهی و بزبان آورد. ب: بریدن تشکیلات از زیر پوشش فاشیستی رژیم (که اکثر سازمانها حداقل در چشم انداز نزدیک خود آنرا نمی دیدند و در نتیجه در مقابل آن آماده نیستند) مسلماً "حتی آنچه پشتوانه تجربی وسیع و احاطه تئوریک و عملی بر اصول سازماندهی دارد. در این شرایط مسلم است بسیاری از گروهها و سازمانهای موجود در سطح جنبش قادر نیستند به تنهایی عمل حفظ تشکیلات خود را به پیش برند یا تجربه عملی لازم را ندارند. با اصول سازماندهی آشنا نیستند. در این رابطه هرگاه ارگان نقش خود را در انتقال تجربیات و تئوریک تشکیلات ایفا ننماید مسلماً "پلیس به طعمه های خوبی دست خواهد یافت. در شرایطی که توده های بسیار وسیعی

مردم چه میگویند؟

مردم چه میخواهند؟

به محض اینکه زنده های بیرون پریدم اتوبوس دو طبقه ای رسید دست تکان دادم ایستاد و وقتی سوار شدم در آنده که فهمیده بودم از یادگان فرار کرده ام با حالتی رضایت آمیز پرسید "فرار کردی؟" گفتم "آره، مردم ببینم بیرون چه خبره" گفت "مگر شما بیرون نمی آید؟" گفتم "زیاد نمی گذارند و - دادا میدادیم" در یادگانها وضع شده مثل چهارراه صدق هر دو روز یکبار اعلامیه بخت میکنند، پرسنل - نقلی، مجاهدین، بارضا بیت بیشتری خندید و گفت "بیرون همه ما را می هستند. من خودم اهل شمال و همین الان دوباره از بارها هم در کوه -

هستند. این بیشترها که دست از سر مردم برنمیدارند به خدا پدیری از این رژیم در بیا ورنه کهنگو" گفتم "آره شنیدم که شمال شلوغ و ولی با ید همه جا مثل شمال بشه" گفتم "آقا چی میگی همه جا از شمال بدتره هیچکی راضی نیست مردم منتظرندیکسی بیفته جلو و آنها هم از دنیا لاش و دادا مه داد" (کارگران) یک پدیری از اینها دربار و بریم مبرکن ما را بگو قدر گلوی خود را توی انقلاب با ره کردیم" در حالی که پاس را با بالا ورده و جلوی ما شین گذاشت گفت "به جان بجمنا مردم گرد و غم کم این کفشهای من است از توی تظاهرات است" حالا اینها را درم. بسمر کلاس یا زده ام است یک شلوار را در پیشرفتم گرد و غم بگویم ما در شب مشغور و صبح میپوشد و به اصطلاح جوان است و تفریحی می خواهد "من سراپا گوش بودم، او دادا مه داد" اینقدر به بچه - ها بگو که و پندارند که گریه میکنند آخر

بقیه در صفحه ۱۴

بهداشت و درمان رایگان برای زحمتکشان قلمین باید گردد



خمینی از رهبر توده‌ها تا جلا دتوده‌ها

قسمت آخر

خمینی چه گفت؟

خمینی چه کرد؟

در سری مقالاتی تحت عنوان "خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟" دیدیم که چگونه تمام وعده‌ها بی‌کمی خمینی قبل از قبضه قدرت میداد پس از رسیدن او به حکومت نقش بر آب شد. کلاً چنین تناقضی در - سرافکناک‌ترین مشهود است پس از قیام نیز هر کس به "حضورش شرفیاب" میشود تبدیل به "ستون انقلاب" میگردد و پس از آنکه از آنجا رفت دیگران و دیگران این نقش را میبایستند - اما در عمل تنها سرما به داران با زارنده ستونهای واقعی انقلابند! ستونی که قبیل از قیام مباحکهای اسلامی چند میلیونی خود "رهبری" خمینی را - پاسداری کرد و پس از قیام مباحکهای ۱۲۰ میلیاردمیلیونی گرفت - هرگاه بخوایم تمام تناقضات، خلف وعده‌ها و کلاً - خیانتهای خمینی را از میان بکنیم بیرون آوریم "مثنوی ۷۰" که غرضش - فراموش نگرددیم که خمینی همواره در دفعات متعدد قبل از کسب قدرت وعده - میگردانید که پس از قیام در مجلس با زرگان برای نخست و زیربنا جمله وظایف دولت موقت تشکیل مجلس موسسان آمده بود اما پس از کسب قدرت این مجلس جای خود را به مجلس فرمایشی خیرگان داد و با فراموش نگردیم که خمینی در تاریخ ۲۲ مهرماه ۵۸ میگفت: "ابتدا فکری کردند

که ما بعضی از این اشخاص را نمی‌شناسیم شروع کردیم در جمع به چند نفری که بیست سال من با آنها آشنا بودم مثل آقای یزدی، آقای بنی صدر، آقای قطب زاده، اینها ۲۰ سال در خارج بودند و نمیگرددند و رژیم عمل کردند و به مجرد اینکه اینها آمدند گفتند "آمریکا - بی‌هیستند نسبت به آقای یزدی گفتند مگر فارسی هم بلد است حالا از این گروه - یک قدری آنها مات است شده افتاده اند بجان یک دسته دیگر... و بعد از زلع پیدا از بنی صدر ادعا کرد که بر قدرت بنی صدر را برای ملیت تراشیده اند. خمینی فراموش نگرددیم که تنها بر قدرتی که بنی صدر را سر رئیس جمهور دیگر در تصویب نهائی برای ملت تراشید خود نبوده است.

بهر رویدیدیم که چگونه وعده‌های خمینی، وعده‌هایی که در زمان خودش یعنی پیش از قیام شکوهت خلق و در زمان رژیم سلطنتی گوشه‌هایی از خود استهای خلق را بیان میکرد وعده‌هایی که دیگران اکنون پس از تجربه قیام می از تجربه ترا بیخ نیمه دمکراتیک پس از تجربه سورا و... کلاً پس از افزون شدن ۲/۵ سال بر تجارب عملی خلق بسیار عقب افتاده و رنگ بریده مینماید و بهیچ روی در حد خواستهای خلق نیست، تمام تناقض برآید شد. خمینی که در دوران اختناق و شرایط بسیار دشوار و بیگانه توری پس از آنکه بخاطر نصیحت به شاه تبعید شد، شیوه منفعل مبارزه را پیشه کرد پس از او جکیوری مبارزات توده‌ها با بطلان گونا گونی - که ما با رهبا و از جمله در نبرد خلق شماره ۱ آنها را بر شمردیم - توانست بر موجه مبارزات توده - ها سوار گردد و در نقش رهبری جنبش به طرح خود از خواستهای توده‌ها برخاست اما همواره سعی داشت جنبش را بشکلی کنترل شده حفظ نماید، و در بسیاری مواقع

برشعله‌های خشم خلق مهابرمید و آنرا از حرکت باز میداشت. فراموش نگرددیم زمانی را که حتی شعاع "مرکز برشا" کمونیستی بود! وتوده‌ها توسط - رهبری از دادن آن منع میشدند و فراموش نگرددیم که چگونه در اوچکشتا خلق توسط ارتش جلا دتوده، خمینی شعاع "ارتش برادران" و "گل در مقابل گلوله" را میداد و بدین - طریق توده‌ها را از شناخت ما هیت واقعی و سرکوبگرانه ارتش آریا مهری باز میداشت و دستگای سرکوب سرما به داری را - محافظت میکرد. اما به هر حال در آن شرایط خمینی سلطنت اعمال را توریسته و وسیع و سراسری پا فشاری کامل بر رفتن شاه و توده بود - سلطنت در جهت مبارزات توده‌ها گام برسر

ما در چند ماه آخر قبل از قیام دیگر خمینی یعنی "رهبر" جنبش بدنبال توده - ها میدوید! تا شاید بتواند کنترلمان کند. دیدیم این توده‌ها بودند که حرکت میکردند و اعلامیه‌های خمینی در پس آن تا می‌آمد. پس از رفتن شاه آیت الله آرزوی دیرینه خود را تحقق یافته و قدرت را در کف دید. مقابل به با بختیار "این نوگرسی اختیار" که رئیس شورای سلطنتش به یک اشاره با سر به یاریش دویدا تقدیر شده مینمود که دیگر به توده‌ها نیا زی نبود. در اینجا بود که خمینی با سیاستی "گام بیگام" مقابل توده‌ها ایستاد.

خمینی که دیگر قدرت را در دست می‌دید میدید هرگز حاضر نشد حکمها دهد و دیگر حتی قریباً تمام توده‌ها نیز که در کوه چو - خیا با ن شعاع میدادند "رهبران ما را - مسلح کنید" تمیتوانست خمینی را گامی دیگر به پیش راند. خمینی تا آخرین نقطه ممکن به همراه مردم آمد. تا سرنگونی شاه. اما توده‌ها برخلاف خمینی به وعده خود عمل کردند آن که فریاد می‌کشیدند "مشت گره کرده ما فردا مسلسل میشود" در ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه علیه غم‌خواران و تلاش "رهبری وعده خود را به اجرا درآوردند و این در شرایطی بود که خمینی هنوز قمتوا ایجا د "نداده بود. اما خمینی هم بیچاره رنشت و سرعت بسیار اسلامی اعلام کردن ارتش آنرا از زیر ضرب خا ریچ کرده و شاهین دولتی فریه خورد ه بورژوازی را بشکلی نیمه جان از زیر غربت قهر خلق بیرون کشید و نجات داد. از این پس خمینی تنها در جهت ترمیم و بازسازی هر چه سریعتر این ما شین کوشید. از کارگران خواست که عتبات خود را بدون تحقق خواستهایشان بشکنند، - فرماندهان مزدوری را که با زرگان بر سر پشته‌ها دتا شید کرد و زمینه را برای سرکوب هر چه سریعتر مبارزات خلق آماده ساخت.

از این پس دیگر کارنا منتهنگین عمل کرده‌های خمینی تنها با اوراقی از خون خلق رقم زده شده است. خمینی که هرگز حاضر نشد در مقابل ارتش آمریکا شی حکم جدا دهد، در مقابل خلق قهرمان گردیده ارتش آمریکا شی حکم جدا داد. خمینی حکم جدا داد تا سبایا ساداران، کمینته‌چیهها و سایر نیروهای سرکوبگر کارناها و اینتر

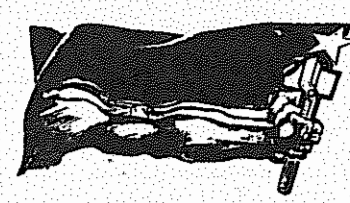
تاسها بیجا فریبند و از کشته پشته بسا زند خمینی بعنوان "رهبر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی" تا شید کنند تمام سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم بوده است و در تمام مقاطع حساس یا بمیدان نها ده و گفته توهم توده‌ها را به سوز رژیم چنانیتکار جمهوری اسلامی سنگین کرده است.

بهر صورت مبارزه طبقاتی و او جکیوری آن حتی خمینی را نیز که همواره سعی داشت تا هاله مقدس خود را حفظ کند و داشت تا برده‌ها را بکنار برزند و چهره واقعی خود را بنمایاند. خمینی اینک رهبری ساواکی را بعهد داده که از مزدوران سپاه و بسیج و حزب الهی تشکیل شده، خمینی اینک توده‌ها را به جاسوسی و لودادن انقلابیون و ما در آن راه معرفی فرزندانشان به دزخیان فرامیخواند. خمینی اینک میکوشد توده‌ها را به تنگ آمده از گرانسی و فقر و فلاکت را به نخوردن "بر قبال خیرزه" و قناعت کردن در مقابل فقر و فلاکت سرما به داری عادت دهد. او اینک در نقش بزرگ ارتشداران فرماندهی کل نیرو - های سرکوبگرانه بعهد داده و توهما می‌کشتار - ها و سرکوبگرانه رهبری میکند و با لاف خمینی اینک در زیر لوای مذهب مشولیت مستقیم عدا مجوانان، زنان، کودکان

انقلابیون، کارگران و تمام می‌زمندگان را بعهد داده، خمینی اینک با به‌سای تخت حکمروایی خود را بر خون هزاران تن از توده‌های خلق و انقلابیون قرار داده است اینک از جنگال خمینی خون میچکد خونی که نه تنها خود او، بلکه تمام رژیم جمهوری اسلامی را نیز در خود غرق خواهد ساخت.

خمینی با سرعتی وصفنا پذیرفا مله پلانسی موجود بین یک رهبر "توده‌ها تا یک جلا دتوده را طی خود را بخوبی نشان داد هر چه در نقش اول ضعف داشت و لنگان - لنگان با رش را بدوش میکشید بر نقش اخیر خود بخوبی قادر است و بدینست می‌توانند نقش را که صحنه گردان را رژیم اینبار بر عهده‌اش نهدا نندایفا کند.

اما توده‌ها نیز از سویی روز بروز بیشتر به نقش و قدرت دورا نناز و تاربخ خود واقف میشوند و از سوی دیگر پیش از هر کس و بهتر از هر شخصیت تاریخی قادرند نقش خود را بخوبی ایفا کنند، نقش که اولین گام آن سرنگونی رژیم سفاک جمهوری اسلامی است. پایان



سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مذهب در خدمت منافع طبقاتی

بدن سال سرکوبیهای وحشیانه بوده است. رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلاب در دو ماه اخیر بدنیا آمد. دستگیریهایی، شکنجه‌ها، کشتارها و غده‌سپاری بی‌سابقه گندیدند. ارگانهای سرکوب رژیم، از جمله کمیته‌ها، با سداران، بسیج و آما (ساواک رژیم) صورت گرفت. رژیم موفق نشد آنگونه که تصور میکرد در صیانت از اسرائیل و اسرائیلی‌های انقلابی وارد ساریه و لیبیا راهم سرانجام حربه مذهب را به حزب جمهوری اسلامی فتوای جاسوسی صادر کرد تا با بدعت مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین توده‌ها را از این طریقی یقین‌بخش و با استفاذه از احساسات مذهبی و اعتقادات این بخش از مردم، نقشه سوم حزب را که هم‌اکنون با استیلا و دستگیری انقلابیون جان برکف است نه‌جا برآورد و از این رهگذر تاجارمکنی با خالری شود. بنوا بندهودهای کلان بحسب زبده توده‌های محروم و ستمدیده خلق را بیشتر استوار کند.

اما این بنیاد سستی از نطفه بود. هدف دیگر این فتوا اینست که تمام اعیان - جناینکاران و سرکوبگران خلق موجه خود کند و چنین وانمود شود که مردم انقلابیون را معرفی می‌کنند و حال آنکه کسبیت کسبه ندا تدم مردم مورد نظر رژیم و با ش کمیته‌ها، سنجی‌ها و با سداران اندک در محلات مختلف در جریان قیام ۲۲ بهمن انقلابیون را نه دلیل فعالیت وسیعشان شناخته‌اند و وابستگی‌های سازمانشان آشکار کنند و واکنش بنام مردم بدستگیری مبارزان مبارزت می‌ورزند.

اما این فتوا از سوی محافل مذهبی مترقی بنما بدستوری خدا سلام و قرآن تلقی شود و چنین عنوان گردید که در قرآن هر کس که نجس و جاسوسی ممنوع اعلام شده است و با سرتیب در هفته گذشته مجدداً "آیت الله خستنی و اردمخته شد تا فتوای خود را تفسیر و تفسیر کند و با موازین اسلام منطبق نماید اما از آنجا که مردم هنوز گرفتار او را در - با ریس و قیل از انقلاب ساددا زندگانه گفته بود و او را با بدیر جده شود، در تفسیر و تفسیر فتوای جاسوسی اعلام کرد که هر گونه جاسوسی در قرآن تقبیله نمی‌شود بلکه اگر جاسوسی بنفع اسلام باشد کاملاً واجب و ضروری است و بعبارت دیگر ساواک و ساواکی در رژیم شاه مردود است اما در رژیم جمهوری اسلامی مورد تأیید می‌باشد و "ساواک" باید تقویت هم بشود و مردم هم همه با بدجاسوسی باشند چون جاسوسی مردم بنفع مردم و اسلام است. متعاقب آن مشکلی اما م جمعه ۲۳ بهمن روز جمعه گذشته در قم طی سخنانی همین محلات را مطرح مورد تأیید قرار داد اما خاتمه این سخنرانیها رای مردم جدید بود؟ اگر مردم را در چهارچوب نیروهای مشکل در بسیج کمیته‌ها و سایر با سداران و خا نوده‌ها بدان خلاصه کنیم همچنانکه رژیم چنین میکند طبعاً میتوان گفت مردم! رژیم جمهوری اسلامی بدعتی عمل کرد و در جاسوسی "وظیفه‌دانان در قبایل حقوق و مستمری که دریافت میدارند

ورزشکستگی سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی

حرف برای جنس فلسطین کاری نکرد، زاین بسیاری از توده‌های عرب چنین تصور می‌کردند که این رژیم حا می و بیست و هفت سال خلق فلسطین است اما اکنون با گذشت زمان و اعطای وورا قوی سیاست خارجی این رژیم همه‌جمله ما به بیت ادعا های رژیم جمهوری اسلامی بی‌هردی اند. اکنون برای های عرب، از جمله جنس فلسطین در کرده - اند که رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم سنیونستی اسرائیل یکی از ارتجاعی ترین رژیمهای - بنده و دشمن سر سخت نیرو های انقلابی و مترقی است. موضعگیری همما نه این رژیم از زمان آغا بقدرت - ریشخند علیه دولت لیبی برکی پوشیده است و در لبنان مدافع و پیروان یکی از ارتجاعی ترین سازمانها که دروا بستگی این نه آمریکا کمترین سرزدی وجود ندارد یعنی جنس امل است جنسی که هم اکنون علیه نیروهای مترقی لبنان و دولت لیبی در حال مبارزه است، در جنس شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با هدایت اخباری روزافزون سیاستهای خود رسطح جهان بویزه در منطقه است. بنظر ما بحرفات افکار عمومی جهان از رژیم خردا سلطه از اسرائیل به عوام - فریبی ناره ای متوسل شده و بیست و هفت سال شکل یک حربه اسلامی در جهت باطل است.

مبارزه با اسرائیل را نموده است اما کار رسوایی سیاست خارجی رژیم از آن حربه گذشته است که بنوا سداران حربه‌ها دوازده برای خود جنسیتی کاذب کسب کند و مطمئناً طرح حربه اسلامی تا ن نیز از هم اکنون بنا نکند و بیرونده است. سیاست دروغ و فریب نمیتواند برای همیشه فعالیت را کتمان نماید. رژیم جمهوری اسلامی خرید سلاح قطعات بدگی از اسرائیل نگردد اما این نکتده است نه تنها نتوانست توده‌های مردم را فریب دهد، بلکه با امکان عوام فریبی آنها را آساکرد. زیرا مردم سراسر جهان از جمله توده‌های عرب متوال می‌کنند، با لاشه حده کسب قطعات بدگی فانتومیها، تانکها، وسایل مخابراتی و الکترونیک ارتش ایران را در اختیار آن قرار میدهند؟ آمریکا با اسرائیل "هما چگونه که امروز سیاست خارجی رژیم در داخل برای بسیاری از توده‌های مردم با اقتضا شده است، در سطح جهان و در سیاست خارجی نیز این سیاست اقتضا شده است و میتوان گفت که رژیم در - سیاست های خارجی خود در ورزشکستگی کامل شده و دست و پا زدنیهای پیچیده اش - بنحو جوه قاندر نیست ورزشکستگی سیاست خارجی این رژیم را خیران کند.

استوار خیر مرسوم بد خریدار تلحه اسرائیل موجب عزت و سزا را از رژیم جنسیتی اسلامی را در میان توده‌های عرب و دولت - ها و سازمانهای انقلابی و مترقی منطقه سوار نکند. بین اسرائیل و هوا بیست و هفت سال که حاصل سلاح از اسرائیل با سداران سراسر فضای اسناد مربوط به خرید سلاح های اسرائیلی از طریق واسطه‌ها، لالان بین المللی دیگر کمتر زبده می‌شود. اما این است که رژیم - خطای و ارتجاعی جمهوری اسلامی - سرسرمها همها هوادانهای سه اصطلاحاً سدارا لیبی - غده سنیونستی اش در عمل در کما را صیرتاً لیبی و سنیونستیم بین الملل برای گرفتن و سنیونستیم بنا هدا ت فخر خلقی این توسل به هر وسیله ای را بخار دادند و حتی ساددا بد خریدار سلطه را اسرائیل نموده اند.

البتدا سداران خیر اما ساد آن بیچوجه ساد و ساد ربر مناسبات و بنا ساد جاری بک دولت - اما ساد سنیای داخلی آن و مجموع عملکردهای درونی آن است. بین عوامی سنج است و رژیم کسبه در ساد با خلقی خود ارتجاعی ترین سادها ها را در سنیونست و سنیونستیم را با اسلام - ترین نیروهای جاسودا خود نشان می‌دهد. رژیم که حافظ اسرائیلی سنیونست و سنیونست است، رژیم کسبه دست چنانکارترین حکومتها را از سنیونست است. رژیم کسبه دولت سنیونست و مترقی جهان آشکارا دشمنی می‌ورزد و در افغانستان و لبنان عراقی و سرکسبه از مرز عربی نیروها حمایت و پشتیبانی میکند. از ارتجاعی ترین دولت منطقه یعنی اسرائیل سلطه خردا می نماید. رژیم خیر مرسوم بد خریدار سلطه از اسرائیل تنها چیزی از سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی مصوب می‌شود و برای بسیاری از نیروهای آگاه ایران و جهان روس است که این رژیم بهترین مناسبات اقتصادی را با دولت - امیریا لیبی دارد و هر چند در ورنگبار رگشی های حاصل سلطه و بیعت بویزه قطعات - بدگی هوا بیست ارتسدر نیویورک بمقصد بندر خمینی در حرکت اند اما سدارا بین خرد در جهت انبای ما همت خدا انقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در میان توده‌های عرب منطقه بویزه خلق نیرمان فلسطین تمام ادعا ها و عوام فریبی های رژیم را نقض برآب کرده است. رژیم جمهوری اسلامی مدتی عوام فریبنا نند سنیونست می‌کرد که خود را با نوبیکترین متحد و پیروان خلق فلسطین جا بزند. کج خلقی همین مدت

شود و از همین روست که دیگر فریب اینس رویان را نمی‌خورند و هیچگاه سیمکار ری و جاسوسی برای رژیم فریب و سنیونست در نمی‌دهند چرا که ساد می این دستورات را در تجربه روزانه خود معارضه واقعیتی خویش می‌بینند. مردم اینک تشخیص می‌دهند که جاسوسی مدافع آنان و وجه کسب دشمنان مردم اند. از پیش فرکونه جاسوسی را بحکوم میکنند.

جزی جزا سوسی و سرکوب نیروهای انقلابی و توده‌های مردم نیست اما توده‌های مردم علاوه بر اینکه در طول ۲۵ سال ساد قیام همواره سادها بنکونه توجیحات و تفسیرات نموده اند، اکنون بخوبی دریافته اند که هر که مدافع طبقاتی حزب جمهوری یعنی مدافع سداران ناچار نیستند و مکتبیون اقتضا کند، احکام دستورات مذهبی سنیونست، گونه تفسیر و سوجه می

رهبری طبقه کارگران پیرو بی‌سازات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است



جنبش جهانی

کارگری - رها نبخش



های انقلابی و مترقی با جنبش رها نبخش
بخش نا میبیا بعد دوسمی با فته است .
موضع آن کشورهای آفریقای که از سوا پو
حمایت میکنند و خواهان استقلال واقعی
برای نا میبیا شدند و ویژه نحوه برخورد
آنکولاه مسئله نا میبیا و نیز حمایت دولت
کوبا از خلق نا میبیا بیش از پیش امپریالیست
ها را به وحشت انداخته است .

جمهوری خلق آنکولاه را میسر
مستحکم جمهوری خلق آنکولاه، آنجان است
که نه تنها دهرستان اجاز نمیدهد، نا میبیا
را از لحاظ نظامی کاملاً بی‌زوله و خلص
نا میبیا را از دیگر خلقهای کشورهای آفریقای
جدا نمائند. وزیر دفاع آفریقای جنوبی
آنچه را که در آفریقای جنوبی و در جنوب
تشریح میدهند به سکوت برگزارد کنند، بیان
داشته است، وی مراحتاً میگوید: مسئله
نا میبیا نمیتواند بدون حل همزمان مسئله
آنکولاه حل شود.

در رویا روشی با چنین رشد گسترشی
از میان روزه انقلابی خلق نا میبیا و همبستگی
و حمایت همه جانبه نیروهای انقلابی و
مترقی از خلق تحت ستم نا میبیا است که
امروز امپریالیستها مجبور گردیده اند از
استقلال نا میبیا سخن گویند و بخاطر آن
کنفرانسها تشکیل دهند و اقدام به سفرهای
رسمی و غیر رسمی نمایند، ولی با تمامی
اینها ما هیت استقلال که امپریالیستها
میخواهند به نا میبیا بدهند کاملاً روشن
است: جلوگیری از قدرت گرفتن نیروهای
انقلابی در حاکمیت توده‌ها از جهت گش
بر سر توده خویش و در مقابل، استقرار رژیم
دست نشاندن از چون رژیم ویندهوگ در
نا میبیا جهت حاکمیت نژادپرستان و سلطه
اقتصادی غرب و درست بهمین خاطر است
که امپریالیستها به اقداماتی دما هنگ و
در اتحادیه دولت آفریقای جنوبی توسل
جسته اند تا مانع استقلال واقعی نا میبیا
گردند.

مذاکرات پنهان و آشکارا بین سران
دولتهای امپریالیستی و بین امپریالیست
ها و عوامل مزدورشان در جنوب آفریقا و
اراشه‌های رنگارنگ امپریالیستی
حتی از سوی سازمان ملل این توجیه گر
سیاستهای امپریالیستی‌ها، تنها گوشه‌ای
از توطئه‌های امپریالیستی‌ها را ترسیم
است.

بخاطر رژیم که در روزهای نخست نبرد
خلق نا میبیا، بونا نخست وزیر آفریقا ی-

بقیه در صفحه ۱۲

اهداف پشت پرده حمله دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی به آنکولاه و توطئه‌های امپریالیستی در روابط با جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا

بقیه از صفحه ۱

نا میبیا و خلفهای دیگر کشورهای جنوب
آفریقا بپردازند، منطقه جنوبی آفریقا و
کلاً منطقه اتلانیک جنوبی به لحاظ
استراتژیک نظامی نیز برای امپریالیستها
از اهمیت خاصی برخوردار است. و امروزه
که جنبش استقلال طلبانه در نا میبیا گسترش
یافته، امپریالیستها بنا به استراتژی
نا میبیا با ترسناکی و وحشت نژاد پرستی
تحت سلطه در مقابل مردم نا میبیا از اقتصاد
و استراتژیک نظامی است. با کوشش همواره
با پیوستن نا میبیا به سرکوب توتالیترانه
حکومتی برآوردند. اندک‌به‌اندک توتالیترانه
حکومتی به تیروهای انقلابی و کمترین صرب‌ها را
به ممانعتشان و از راه آوردن برای پیشبرد
جنبش سیاسی است که حفظ نا میبیا به مثابه
یک پایگاه و سرور سلطه آفریقای جنوبی
بر نا میبیا و سرکوب جنبش رها نبخش در
دستور کار امپریالیستها قرار میگیرد.
ولیکن اگرنا دیروز استعمارگر آن
انگلیس و امپریالیستی‌های دیگر مانند
بهر نحوی جنبش انقلابی را در نا میبیا سر-
کوب نمایند، امروز ما روزه برای استقلال
واقعی نا میبیا شده و وحدت سیاسی
بیا فته، مبارزه انقلابی توده‌ها علیه دوسم
نژاد پرست آفریقای جنوبی و رژیم دست
نشانده‌اش در رویدادها و رویدادها آفریقا
ی جنوب غربی- نا میبیا (یعنی ایران
تا مین متعلق امپریالیستها در منطقه و
مبارزه برای آزادی و برابری بین
اقتصادی در اکثر شهرهای نا میبیا)
منطق شمالی کشور هم‌مرز نا میبیا است
جرمان دارد، جنبش توده‌ها به چنان درجه
ای رسیده که امکان شکست نیروهای نژاد
پرست را در آستانه‌های نزدیک فراهم آورده
است. سازمان خلق آفریقای جنوبی
(سواپو) که اکنون ۹۰۰۰۰ عضو دارد
دارد به موازات تنها سازمان مبارزاتی
رهبری جنبش و در برابر امپریالیستها
سازمانی است که در نا میبیا و جنوب
حقیقتاً توده‌ها را سازماندهی کرده و
با آمورتی نظامی و سیاسی توده‌های تحت
ستم، در عین مبارزه در اردوگاه‌های همسای
پناهندگان در آنکولاه، بیش از پیش حمایت
توده‌ها برخوردار گردیده و حملات و حشایه
نیروهای سرکوب دولت نژاد پرست -
پرتوریا (پایتخت آفریقای جنوبی) به
هیچ وجه نتوانسته از قدرت توده‌های این
سازمان بکا هد، اکنون خلق نا میبیا -
آنچنان نگه‌زبان رهبر سواپو می‌باشد
بخوبی دریا فته است که این مبارزه تنها
برای رها نبخش نیست، بلکه نژاد پرستانه
و آرتا پدیدست، مبارزه ایست برای استقلال
ورهای اجتماعی، خلق نا میبیا اکنون برای
تغییر بنیادین در جامعه، برای اصلاحات
ارضی واقعی، برای برابری و عدالت
اجتماعی و جامعه‌ای به دور از تضادهای
طبقه‌ای و هرگونه استعمار روبه‌رگی مبارزه
میکند.
در خارج از نا میبیا نیز، همبستگی نیرو-

ا. بین تاجران آشکار و پنهان با اطلاع و حمایت
امپریالیسم آمریکا صورت گرفته و موجی از
تشفیر و تراجازا در مردم جهان برانگیخته
۲ کشور که در کنفرانس همبستگی بیاد دولت
لیبی شرکت کرده بودند حمله آفریقای
جنوبی را محکوم کرده و پشتیبانی خود را
از دولت آنکولاه اعلام کردند. در جلسه فوق
العاده شورای امنیت کد برای رسیدگی
به تراجازا آفریقای جنوبی تشکیل شد
قطعا می‌تواند زوسی کشورهای قاره آفریقا
و شوروی برای گذاشته شده با و توتالیترانه
روبرو گردید، دولت آمریکا با موضعگیری
بمنفع آفریقای جنوبی و توتالیترانه آفریقای
نشان داد که کاملاً از تاجران آفریقای
جنوبی حمایت کرده و در حقیقت در حاکمان
این توطئه‌هاست. امپریالیسم آمریکا
دنبال و توتالیترانه محکوم است
آفریقای جنوبی، پیشنها دما از توتالیستی
برای این دولت در صورتیکه بفرودگاه خاک
آنکولاه ترک نکنند بوده، ترمیم کرد
آمریکا با هر قطعه‌ای و پیشنها دیگه از
سوی این شورا خواستار خروج آفریقای
جنوبی از نا میبیا شود و مخالفت خواهد کرد
این موضعگیریها و ادعاهای آفریقای
جنوبی که گویا بطریق قطع و قطع
چریکهای سواپو بخاک آنکولاه آورده شده
نشان میدهد که آنچه در این میان بیش از
همه مطرح است استراتژی امپریالیسم آمریکا
در جنوب آفریقا و مقابله با جنبش استقلال
طلبانه خلق نا میبیا است، که اینک به نقطه
سرنوشت سازش نزدیک شده است. امروزه
جهان نیا با این نقطه از جهان دوخته شده
است. برای آشنا شدن با این جنبش در زیر
کوشش‌ها است خوانندگان را با جنبش
استقلال طلبانه خلق نا میبیا و توطئه‌های
امپریالیستی در این زمینه آشنا کنیم.

جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا و توطئه‌های امپریالیستی

نا میبیا کشوری با ذخایر طبیعی فراوان
(اورانیوم، پلاتین، و آهن) در جنوب غربی
آفریقا قرار دارد که در راه استقلال و
رها نبخش ملی مبارزه میکند، با آنها استعمار
گران انگلیس به غارت و ستم خلق نا میبیا
مشغول بودند و امروز امپریالیسم جهانی
بسرگردگی امپریالیسم آمریکا به کمک
دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی و دست
نشانندگان در نا میبیا که زوسی نژاد
پرستان آفریقای جنوب غربی نامیده
میشود سعی دارند تا توطئه‌های پنهان
و آشکار و سرکوب‌های مستقیم و غیر مستقیم
مانع استقلال واقعی نا میبیا گردند.
بی شک تنها مانع اقتصاد نیست که
امپریالیستها را و امیدار به سرکوب خلق

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها نبخش سراسر جهان



یادداشت‌های تاریخی

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

با برپائی دولت مصدق (اردیبهشت ۱۳۳۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و همراه با او جگر می مبارزات ضد استعماری در حالیکه حزب توده (تأقیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱) هم چنان بر سر مواضع خود پیاپی تضریر، اجزای و گروه‌های وابسته و ارتجاعی دیگر، با انگیزه‌های گوناگون و هدف مشترک، مبارزه بی‌سبب و کمونیسیم و حفظ بیضه اسلام به میسدار آمدند. گذشته از "حزب زحمتکشان" بقاش "با نایرا نیست" ها و عتاصر معلوم الحال دیگر که بنا بر مصدق و هواداری از جبهه ملی، نقش سرکوبگران جنبش را ایفا کردند، باید از "روحانیت مبارز" یاد کرد که همشما به عمده ترین پیایگاه و مجری کودتا، گاه در جناح‌های مستقل، گاه در کنار فدائیان اسلام، گاه در همدستی آشکار با دارودسته بقاش، اما یکبارچه و یکصدای ارقام ۳۰ تیر به تدارک کودتا و در هفتم شگستن جنبش برآمدند.

به تبیین نقش این جناح همسای می‌پردازیم. بنا گزیر به یادآوری برخی از رویدادها برمی‌آئیم، و سرانجام طرح اجرای کودتا را بدست می‌دهیم.

با محطلی از رویدادهای مرحله دوم جنبش نفت و سیاسی "جبهه ملی" قساز می‌کنیم. میدانیم که لایحه الحاقی گس - گلشائیان که در اوایل پشین روزهای مجلس با نزدیم به دولت سا عدا را نه شد، با نگرش

و به مجلس شانزدهم که انتخابات فرمایشی آن از مرداد ماه ۱۳۳۸ در کار بود، محسول گشت. از آغاز مهر ماه دا نحویان بسبب اعتراض علیه انتخابات ساختگی بسبب نظرات برخاستند. در ۲۲ مهر، مصدق با استفاده از جوامع اجتماعی مساعد، و در مخالفت با انتخابات "غیر قانونی" همراه با گروهی در دربار ترحم جست.

بنا به این ترحم از جمله می‌گفت: "ملت ایران بهیچ وجه مجلس را که فساد انتخابات آن بر همه مسلم است... مظهر افکار خود نمی‌داند، بنا بر این هر تصمیمی که در باره قضایای حیاتی این ملکیت گرفته شود، مطلقاً "وابدائی" تصمیم ملت نیست."

همان گروه که در میان نشسان نام کودتا گران آینده و عوامل مزدوری چون دکتر بقاشی، مکی، حاشری زاده - ارسلان خلعتیری، جلالی نا ثینی، درکنار نام مصدق، نریمان، فاطمی، شایگان، بسه چشم می‌خورد، در اوایل آن ماه ۱۳۳۸ در خانه دکتر مصدق "جبهه ملی" را بنیسان نهادند. از سوابق حامیان دیگر جبهه همچون میرا شرافقی (مدیر روزنامه آتش)، شمس قنات آبادی (مفسر جدیدی ملکه مادر) و آیت الله کاشانی که در جای دیگر از او یاد خواهیم کرد، می‌گذریم.

در سر آغاز انتخابات مجلس شانزدهم، گروه مصدق همدا با دا نشجویان، گروهی از کسبه و بازاریان و با حمایت برخی از روحانیون از جمله کاشانی، انگلی، غروی موفق شدند انتخابات فرمایشی را در ۱۹ آبان ماه به ایطال کشاندند و مقدمات راه یافتن به مجلس را تدارک ببینند. حزب توده که هنوز به جبهه سیدضیاء الدین و قوام السلطنه وفادار بود، کوشید از پیروزی مصدق جلوگیری کند. حزب نتنها

انتخابات نوین را تحریم کرد، بلکه بسا ایطال انتخابات فرمایشی نیز بسبب مخالفت برخاست. روزنامه "نیسان" در ۲۵ آذر ۱۳۳۸، اعلام داشت: "اعضای جبهه ملی... یکی از درخواست‌های خود را ایطال انتخابات ذکر نموده‌اند. آنهائی را که از ایطال انتخابات سخن می‌گویند، نمیتوان طرفدار آزادی انتخابات نامید."

در انتخابات مجلس شانزدهم که در فروردین ماه ۱۳۳۹ و با نخست وزیری علی منصور گشایش یافت، تعدادی از اعضای جبهه ملی، از جمله دکتر مصدق با ۳۵ هزار رای به مجلس راه یافتند. در ۲۳ خرداد علی منصور از مجلس تقاضا کرد لایحه الحاقی در دستور روز قرار گیرد. پیشنها د با مخالفت سرخستانه مصدق و شایگان روبرو شد.

اکنون هنگام آن رسیده بود که دولت آمریکا و انگلیس - که از آغاز جنگ کوره در برها ۲۹ - به یکدیگر نزدیک شده بودند دربار "ان کیشوت" بازی مصدق ایستادگی کنند. سخن از روی کار آوردن "مریم مقتدری" می‌رفت که در عین حالی که متافع غرب را حفظ کند، بتواند با راهی اصلاحات و نیز با پیش گرفتن سیاست مسالمت آمیز در قبال شوروی، از "مخاطرات آتیننده" جلوگیری کند. آن مرد مقتدر روزم را بود

که نخستین کودتا را پی ریزی کرد. بدینسان بود که در ۵ تیر به ناگهان دولت منصور استعفا داد و سر لشکر روزم را، با یک فرمان و بدون نظر خواهی از مجلس به نخست وزیری رسید. گرچه اقدامات او به جای تحکیم هیات حاکم، به تشادها رامن زد، با قتل و راه برای روی کار آمدن دولت مصدق هموار گشت.

استدلال دولت آمریکا در فرمایشی استعفا منصور (نیویورک تایمز، ۶ تیر ۱۳۳۹)، چنین خلاصه می‌شد: "وضع ایران از هفتم گسیخته است، فساد و بدبختی به درجه ای است که جز بیگنفر، یعنی روزم را رئیس ستاد ارتش کسی دیگری نخواهد توانست ایران را از این وضع آشفته نجات بخشد. در سیاست خارجی، ژنرال روزم را و ارتش او با تفاق ایلات مسلح کوهستانی می‌توانند در حوا دت جنگ کوره، "جلو پیشرفت سپاه دشمن را بطرف جنوب سد" کنند.

سیاست مبارزه "با فساد" که روزم را، در جهت پیش گیری از "خطر کمونیسیم" تراه انداخت، عبارت بود از: (۱) مصادره اموال برخی زمینداران بزرگ از جمله قوام و سردار قرا خرمکمت و دیگران که همگی در "بندجیم" قرار گرفتند. آمریکا شیان در ارجاع این ما موریت، می‌گفتند: "در اصلاحات ارضی فعلاً مهم ترین مسائل و مشکلات ایران است. وضع زندگی بی کارگران و کشا ورزان املاک بزرگ مزبوعی یکی از مهم ترین عوامل نضج قدرت کمونستی و انقلاب توده به شمار می‌رود. تنها راه جز این نیست که "با ید به دهقانان زمین داده، تا کمونیسیم فرصت نشوونما نیابد. اگر دولت ایران بخواهد از - آمریکا "وام" بگیرد باید "فرم کشا ورزی"

را عملی سازد. ۲۰ - ما موریت روزم را هم چنین تصفیه "و با کسائی هیات حاکم و ادارات دولتی را از عتاصر" فاسد" در بر میگرفت. جزا ید آمریکا شی در ترمیم بسج نظر مقامات دولت خود می‌نوشتند: "اگر کا بینة روزم را نتوانند ترمیم هیات تصفیه را عملی کنند محکوم به رفتن است و در مقابل مردم نمی‌توانند مقامت کنند." (گذشته چراغ راه آینده است... ص ۵۰۲)

اکنون روزنامه‌ها با عتاصرین درشت بسبب افشای "روابط نا مشروع" بین آن بر می‌آمدند، مجالس قمار و عتصر تکرده‌ها را با عکس و تفصیلات منتشر می‌کردند و از مردم می‌خواستند که عوامل "فاسد" را به مقامات "لو" بدهند.

در سیاست خارجی، روزم را به شوروی - نزدیک شد، به حزب توده آزادی نسبی داد، سران توده از زندان فرار کردند، قرائنامه با زرگانی ایران و شوروی در ۱۳ آبان به امضا رسید، نیز وعده داده شد از آن پس بجای "سلاح" های کهنه "امریکائی" - سلاح های جدید "آز شوروی خریداری شود. قرا - داد نفت شمال متعقد کرد... حزب توده نیز به دفاع از روزم را از جناح مصدق که در اعتراض به قرا ردا های نفتی خود را "مخوار" مردم قلمداد می‌کرد، به عنوان "عوام فریب" یاد می‌کرد و بسوی آینده در ۲۹/۷/۱۲ "می‌نوشت اینهائی که

نمی‌گذارد لایحه الحاقی به تصویب برسد و با سیاست روزم را دشمنی می‌کنند، اینها که با صلاح "برچندا را استقلال و آزادی" کشورند، در واقع "آخرین تیر ترکش استعمار نند و دکتر مصدق نماینده آن گروه است."

اما در ۴ آذر ماه، و بهیچانی که دولت روزم را، در قبال سیاست مبارزه با "فساد" خود، لایحه الحاقی را به مجلس تحمیل میکرد، دکتر مصدق، خلاف انتظار پیشنها "ملی شدن نفت در تمام نقاط کشور" را به مجلس داد. و بدینال آن لایحه الحاقی که در ۱۹ آذر به مجلس آمد، منجر به نظهرات گسترده در سطح شهرودا نگاه، درگیری میان هواداران حزب توده و مصدق شد (۲۲ - آذر) و مجلس تا گزیر در ۲۹/۹/۲۶ آن لایحه را رد کرد، و دو ماه بعد، در ۱۶ اسفند ۱۳۳۹ سر لشکر روزم را بدست خلیل طهما سبسی عضو فدائیان اسلام و محافظ شخصی، دکتر بقاشی ترورش شد.

این نخستین بار بود که عمال آمریکا با عتاصر مذهبی متحد می‌شدند. واقعیت این بود که دولت آمریکا، بشیمان از کرده خود، نخست وزیر منتخب خود را که پیش از پیش جانب متافع انگلستان را میگرفت در نتیجه راه "اصلاحات" را کرد، نتیجه اقدامات روزم را خلاف چشم داشت منظور و مطلوب آن دولت از آب درآمد، دربار - نیز در قبال اصلاحات ارضی تمعیا ی روی خوش نشان نداد، اکنون شاه که خود یکی از بزرگترین زمینداران ایران بود، در زیر فشار حامیان فتووال رژیم هفتم قرا ردا داشت. همچنین مبارزه با کمونیسیم توده ای، که انگیزه روی کار آمدن روزم را بود به جانی نرسید، لایحه الحاقی از - بقیه در صفحه ۱۱

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد



بقیه از صفحه ۱۰

تصویب نگذشت، مهم‌تر اینکه طرح تقسیم اراضی مخالفت غیرمنتظره روحانیت را برانگیخت - گرچه آیت الله بروجردی بارها نظر خود را در حمایت از ما لکچریست اعلام داشته بود. جناح خمینی که از مهم‌ترین و وفادارترین مریدان او بشمار می‌رفتند اصلاحت ارضی را ابتدا به لغو مالکیت و خلاف مقررات اسلامی تلقی کرد و فدائیان اسلام را که هنوز شیروی عمده نبودند، به سرکردگی نواب صفوی بسیج کردند. آیت الله کاشانی نیز به علست کینه دیرینه شخصی (پس از تیراندا زنی به شاه ۱۵ رهن ۱۳۲۷، آیت الله کاشانی بدستور رزم را، مضروب و سبب تبعید شد.) به جمع پیوست. به‌دینمان فکر بر انداختن رزم را از سوی دربار، عمل آمریکا و روحانیون، ولیک با انگیزه‌های گوناگون جان گرفت. امروز میدانیم که در جلسات مشاوره، نمایندگان هر سه گروه یعنی آیت الله علم، دکتر بقاشی، کاشانی و خلیل طهماسبی شرکت داشتند. بی‌سبب نیست که امروز هم در مجلس اسلامی، فدائیان اسلام را در کنار افراد حزب زحمتکشسان می‌یابیم، عبدخداشانی (فاز رب دکتر قاطمی) را با آیت ها همسویی بینیم، و دکتر بقاشی "شارکت" در "تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی" را از افتخارات خود برمی‌شمرد. (نوار سخنرانی دکتر مظفر بقاشی، آذر ۱۳۵۸)

این سندسپرا نیز بسیار و یک جبهه ملی و جناح خلیل ملکی همواره کوشیده‌اند در توجیه وابستگی بقاشی، این استدلال عوام‌فریبانه را در همه نشریات و تبلیغات خود عرضه دارند که: بقاشی قبل از قیام ۳۰ تیر عنصر ملی بود، بعد از قیام تا گه‌ان به کودتا پیوست. در حالیکه موضع بقاشی از بدو جنبش آشکار و روشن بود. آواز - شهريور ۱۳۲۸ و بدنبال آنجا در روزنامه "شاهد" می‌گفت: در جهان امروز "بیطرفی" هم‌بسی معنات و هم "ممکن نیست". منتها راه‌نجات ما پیوستن به آمریکا است. "تا چشم ما کور شود" همه "بپا نه‌های" که آمریکا می‌آورد و برای وام‌دادن و کمک کردن به ایران شرایط قائل می‌شود "منطقی است". مگر تاکنون "ما چه بدی از آمریکا دیده‌ایم؟" (شاهد، ۲۷ شهريور ۱۳۲۸) - وانگهی دشمن ما آمریکا نیست، شوروی است، چرا که ما "بشت دیوار آه‌نین قرار گرفته‌ایم". پس امروز مبارزه ما "غیبر کمونیست" ها "مبارزه با "کمونیست" ها است. چگونه؟ اینکه حزبی برپا کنیم به "باری" "پهلوانان روئین تن" و "جوانان نیرومند". در "تظاهرات" از "عضلات" آنان علیه مخالفان استفاده کنیم. چنین هم‌شد. در همه اجتماعات، او با آنان و - مزدوران بقاشی، به نام پیشنیانی از - مصدق، یورش به دفا تر، روزنامه‌ها، چاپخانه‌ها و ضرب مردم را عهده دار گشتند. در واقع ما موریت آنان در هم شکستن صفوف مردم و ایجاد تفرقه بود. در اوج جنبش نفت هم نظر بقاشی این بود که قراردادای نظیر قرارداد های عربستان و ونزوئلا منعقد شود. قرارداد "دنیا پسند" باشد. در ۲۳ فروردین ۱۳۲۹ اعلام میداشت: "به ما اعتراض میکنند که چرا می‌خواهید

قرارداد دنیا پسندی امضاء شود" می‌گویند "قرارداد دنیا بدیل فو شود". در پاسخ می‌گوئیم: "اگر قرارداد را لغو کنیم با هیات حاکمه کنونی امکان به‌کار انداختن تاسیسات نیست. ما معتقدیم که در درجه اول با همین شرکت نفت فعلی قراردادای منعقدسازیم". چنانکه اعلی‌رشد، در این سال بقاشی، به اتحاد با روحانیت برآمد. گویا ست‌کنه بینکام با زکشت کاشانی از تبعید (خرداد ۱۳۲۹) که با وساطت دربار انجام گرفت - سخنرانی‌های خیر مقدم را در کتربقا شعی ایراد کرد. در همین سال مهندس بازرگان صاحب‌بو تعدادی از روحانیون "کاشانون اسلامی" را در جهت مبارزه با مرام اشتراکی برپا کردند. بقاشی، مکی، زا هدی، شمس‌تنتات آبادی و گروهی از چاقو کشان بنام "سازمان" "مجاهدین اسلام" را تشکیل دادند. بقاشی با فدائیان اسلام که با همین سازمان در رابطه بود، در آمیخت، شش ماه قبل از ترور رزم را، "خلیصل طهماسبی" همکار نواب صفوی، به‌استخدام روزنامه "شاهد" درآمد. شب‌ها در چاپخانه می‌خوابید و روزها نقش محافظ و گسارد خصوصی بقاشی را بر عهده دار بود. آیت الله بهبهانی نیز فدائیان را زیر چتر حمایت خود، یعنی دربار گرفت. میداد نیم‌که در ۱۶ اسفند، روز قتل رزم را، اسداله علم در صحنه بود و خیر "راحت شدن از سر رزم" را بر او دردم‌بها سازند. اکنون روزنامه "پراودا" نیز در شماره ۲۸ اسفند ۱۳۲۸ - می نوشت: "زوال رزم را از طرف کاشانی به قتل رسیده که با آمریکا ثیان ارتباط نزدیک دارند... فقط آمریکا ثی ها از این حادثه استفاده کرده‌اند". به‌دینسان مقامات شوروی نیز وابستگی بقاشی ها و فدائیان اسلام را به آمریکا ثابت کرده‌اند.

امرا از بطن دربار و فدائیان اسلام را از زبان نواب صفوی رهبر گروه بشنوم: "در زمان نخست وزیری رزم را من وسپس - عبدالحسین و احدی (مرد شماره ۲۸ فدائیان) تقاضای ملاقات با شاه را کردیم. در اولین ملاقات به شاه از فساد موجود در مملکت شکایت کردیم و گفتیم: و که خود را مسلمان می‌داند چرا جلوی فساد و هزگی ها را نمی‌گیرد. بعد از درودیم: قصداً تا بود کردن مسبین فساد است. شاه در جواب وجود فساد را قبول کرده اما تمام تقصیرها را متوجه رزم را کرد".

با آغاز زمانه‌ای دکتر مصدق (۱۰ - اردیبهشت ۱۳۳۰) که پس از نخست وزیری کوتاه حسین اعلا، روی کار آمد، روحانیت به دو جناح تقسیم شدند: آیت الله کاشانی با قیام ۳۰ تیر به حمایت از مصدق و جنبش نفت برخاست و از فدائیان اسلام گسست. حتی در اعلامیه‌ای به تکفیر آنان برآمد و آنان را "معارض با خدا" نامید. گروه دوم، خمینی - بهبهانی، در پشتیبانی از - بروجردی، در کنار فدائیان اسلام قرار گرفتند و علیه مصدق بسیج شدند. خواهیم دید که حزب توده نیز از بهیرا ه به جناح دوم پیوست.

کم‌روزولت، فرمانده عملیات کودتا، در ۱۳۳۰ که آمریکا و انگلیس مقدمات - کودتا علیه مصدق را فراهم می‌آوردند، - می‌نویسد: ما وانگلیس ها به این نتیجه رسیدیم که اگر "روحانیون قرآنی شدین شاه و مصدق، حزب توده و شاه و حتی روحانیون و شاه‌یکی را انتخاب کنند، بیش از یک انتخاب ندارند" وان حفظ سلطنت است (خطرات روزولت، ص ۹۹). مشاورین ایرانی کودتا نیز به روزولت می‌گفتند: "ما روحانیون را نمی‌شناسید، آنها هیچ

دشمنی بدتر از کمونیسم برای مذهب خود نمی‌شناسند... اگر روس‌ها دست دراز کنند روحانیون دست آنها را پس خواهند زد و این امر آنها را به شاه نزدیک خواهد کرد". (همانجا، ص ۹۸)

استدلال جناح خمینی و فدائیان اسلام در باره مصدق تا شیدان دیدگاه بود و عملکردها نشان از این سال تا کودتا در جهت سرکوب جنبش و دشمنی آشکار با دولت مصدق بود. نواب صفوی نیز بعدها اعتراف می‌کرد: "من با دولت مصدق به شدت مخالف بودم و او در تمام حکومتش از ترس من و برادرانم در گوشه‌خانه متحصن بود". در توجیه کودتای امپریالیستی می‌گفت: "بزرگترین جناحیت مصدق تقویت اعمال شوروی در ایران بود و تنها با روح ایران و علاقه‌خلیل تا پذیر مردم ایران سرزمین و افغان و سرپازان با کرد و مسلمان ما، به نام مومن و دیانت بود که به یاری خدا، او و عمل بیگانه را شکست داد. هم‌چنانکه امروز خمینی در بزرگداشت کودتا، می‌گوید: اگر مصدق می‌تواند به اعلام سبلی میزد (گفتار ریلو بیونی ۳۰ - خرداد ۱۳۶۰)، نواب نیز از اعلامیه خود علیه مصدق، همان مضمون را بیان می‌کند: "اگر دوروز دیگر حکومت مصدق باقی مانده و رجاله با زی بیگانه پرستان ادا می‌شد پیدا می‌کرد، عقده‌های درونی مردم ایران شدید منفجر می‌شد" (زهاشی، شماره ۷۲، ص ۱۱). پس اگر کودتا مصدق را بر انداخته، بدان مفهوم بود که او "از اسلام سبلی" خورد.

حال نقش آیت الله خمینی چه بود. چنانکه گفتیم در این دوره آیت الله بروجردی تنها مرجع تقلید بود و ریاست حوزه علمیه قمران نیز بر عهده داشت. خمین از مریدان سر سخت او بشمار می‌رفت. یکی از بهانه‌های مخالفت خمینی را با مصدق مسئله تولیت حضرت معصومه قم بدست داد که متولی آن شخصی بنام "تولیت" از وکلای درباری مجلس و تحت حمایت بروجردی بود. هنگامی که کاشانی به حمایت از جنبش نفت و تکفیر فدائیان اسلام برآمد، دکتر مصدق برای ارضای خاطر او، تولیت را برکنار نمود و یکی از هواداران کاشانی (سید مشکو) را بر جای او نشاند. این امر با مخالفت شدید دربار و بروجردی - روبرو شد. اعتماد و تظاهرات به رهبری خمینی، در فضیقه قم به راه افتاد. دکتر مصدق در کمیت نظامی اعلام کرده به درگیری های شدید میان فدائیان اسلام و افغان شهربانی انجام مید. (این همان رویدادی است که خمینی در گفتار رهبری تلویزیونی خود از آن یاد می‌کند و می‌گوید: مصدق فیهیسه را به خاک و خون کشید و طلب را سرکوب کرد).

دومین عنصر خمینی برای مخالفت با مصدق، مسئله ملی شدن شرکت تلغن بدست مصدق بود. اکنون خمینی در اعلامیه‌ها و گفتارهای خود استدلال می‌کند که "ملسی شدن" به مشا به لغو مالکیت و خلاف مقررات شرع‌مبین است.

بهانه سوم لغو ۲۰ بهره مالکانه بود. خمینی اعلام می‌کرد که این امر نیز، طلب مالکیت خصوصی است. سبب گسترش و رواج افکار اشتراکی و شاه‌کفر است. برغم تضاد و شکافی که میان دو جناح روحانیت افتاده بود، گروه خمینی مصرا نه از کاشانی می‌خواست که از مصدق بکشد و با شاه رگفرآ میزد "ملی" و "ملی کردن" به ستیز برخیزد.

ادبیات

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



اهداف پشت پرده حمله دولت نژاد پرست آفریقای ...

بقیه از صفحه ۹

جنوبی به واکنشگتن سفر میکنند، سا ویمبی، رهبرها زمان "اونیتا" در مراکش با نماینده ویژه امپریالیسم آمریکا ملاقات میکنند و درست در همین زمان لنفولایحه ممنوعیت کمک آمریکا به شورشیان آنگولایی حا سیاست دولت نژاد پرست پرتوریا که در او خرف ۱۹۷۵ تحت فشار افکار عمومی جهان توسط گنگره آمریکا به سوی رسیدن میزدورانی چون "اونیتا" در دستور کار امپریالیستها قرار میگیرد دولت آمریکا برای توجیه جناحانش در جنوب آفریقا و هماهنگی سیاستش با دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی، حضور نیروهای کوبایی را در آنگولایا نه قرار میدهد و استقلال نامیبیا را مشروط به عقب نشینی نیروهای کوبا از آنگولا عنوان میکند، که بخوبی روشن است هدف دولت ریگان از خروج نیروهای کوبا، تضعیف جمهوری خلق آنگولا است که حامی و پشتیبان استقلال نامیبیا میباشد، دولت ریگان سعی دارد با ایزوله کردن دولت جمهوری خلق آنگولا در بین ارتشهای نامیبیا و سوا پوزیتنه برقراری حکومت مدافعان نامیبیا را تا امپریالیستها در نامیبیا قرار نگیرد. اما هیت این سیاست تجار و کارخانه هنگامی آشکارتر میگردند که دولت آمریکا در نامیبیا نه تنها راه اوژن اظهار میدارد که پیش شرط هرگونه اقدامی برای حل مسئله نامیبیا، علاوه بر خروج نیروهای کوبا، "حضور چریکهای سا ویمبی" (سا زمان اونیتا) در دولت آنگولا است "یعنی در قدرت سهم شدن سا زمان که مورد حمایت امپریالیستها است و از آفریقای جنوبی اسلحه دریاقت میبرد. امپریالیستها، جهت سرکوب جنبش خلق نامیبیا و تامین منافع نامحارات، همزمان با این طرحها و مذاکرات توطئه گرانه، بدست عوامل شان در آفریقا بسه تنها جهت نظامی وسیعی علیه خلقهای کشورهای آفریقای جنوبی نیز دست می یازند: تنها جهت نظامی علیه خلق موزامبیک، اشغال هشت شهردار آنگولا، و همراهِ با آن افزایش بودجه نظامی آفریقای جنوبی (افزایش بودجه نظامی بیست اسی درصد یعنی از ۱۹۰/۲ به ۲۴۶/۵ میلیون دلار) نشان دیگری است که سیاست دولت آفریقای جنوبی هم جهت و هماهنگ با سیاست میلینا ریستی امپریالیسم پیش میبرد.

اشاره کنیم که سیاست نظامیگری دولت آفریقای جنوبی که صرفاً جهت سرکوب جنبشهای انقلابی در منطقه آفریقا و حفظ پایگاههای امپریالیستی بخاطر اهمیت منطقه آتلانتیک جنوبی اعمال میشود، پس از جنگ جهانی، یعنی از زمانیکه آنها رتا بدیعنوان سیستم دولتی در آفریقای جنوبی و ارتش بعنوان ابزار جهت تحکیم قدرت اقلیت نژاد پرست بنام به یک نیروی سیاسی - نظامی بکار گرفته شد، آغاز گردیده است. ولی پیشبردا یمن نوعی سیاست با سرعت بیشتر، از زمانیکه که بونا و زیر دفاع، بعنوان نخست وزیر انتخاب شد و عملگردهای قدرت دولتی، دقیقاً "با عملگردهای وزارت دفاع تطابق یافت" (سال ۱۹۷۸): بطوریکه اکنون شورای امنیت دولتی است که بیکره ثبات دهنده هدایت دولت میباشد و استراتژی سیاست خارجی و خارجی را طرح ریزی میکند. اما درمنشوره در نشریه گنگره ملی آفریقا (ANC) بیانگر ریشه های نظامی ارتش و پلیس دولت آفریقای جنوبی از ۱۹۶۰ تا کنون است:

هزینه نظامی	۱۹۶۰	۱۹۷۴	۱۹۷۹
(به میلیون راند)	۴۴	۷۰۷	۲/۱۸۹
پلیس	۲۶	۵۹	۷۹
(نفر به هزار)	۶۰	۲۵۰	۴۵۰

بیش از ۱۴ سال است که دولت پرتوریا (آفریقای جنوبی) با اتکاء به نیروهای نظامی سرکوبگر و مزدورانش علیه خلق نامیبیا، و نامیبیها، و سوا پوزیتنه از قسح جهت تامین منافع انحصارات امپریالیستی در منطقه، در جنگ است. دولت آفریقای جنوبی برای پیشبرد این نیت خیانتکارانه - اش، نیروهای نظامی اش را در نامیبیا



افزایش داده: در حالی که در سال ۱۹۷۷، ۵۲ هزار سرباز در نامیبیا وجود داشت در سال ۱۹۸۰ تعدادشان به ۸۰ هزار نفر رسید. رژیم آفریقای جنوبی، از پایگاههایش در نامیبیا، برای حمله به اردوگاههای پناهندگان نامیبیایی در آنگولا استفاده می کند و در همان حال عملهای مسکوتی، کارخانها و زمینهای کشاورزی را در منطقه ویران میسازد. آفریقای جنوبی در نامیبیا در سال ۱۹۶۸ به یک روستا در نامیبیا ۶۸ کشته بجای گذاشت و در سال ۱۹۷۸ حمله به یکی از اردوگاههای پناهندگان نامیبیایی در آنگولا، ۵۰۰ نفر را به قتل رساند.

این نوع سیاستهای امپریالیستی که تلاشی است جهت تحکیم دولت های نژاد پرست آفریقای شمالی امثال ورک مورگه (DRK) و HORG در نامیبیا و نیز ستبر خلقهای آفریقا و محدود کردن جنبشهای انقلابی در آفریقا، نه تنها نتوانستند مانع حرکت انقلابی توده ها گردد، بلکه بیشتر و بیشتر به چاشنی جدیدی برای وضعیت انفجاری آفریقا و برای اشاده هر چه بیشتر نیروهای انقلابی بدل شده و بیش از پیش امپریالیستها و دولت های وابسته به آنها را و میدارد که به اقدامات سرکوبگرانه دیگری که با زدن در نامیبیا جنبش انقلابی را گسترش خواهد داد و تعارضات طبقاتی را شدت خواهد بخشید، توسل جویند.

در نامیبیا چون دیگر کشورهای تحت سلطه آفریقای جنوبی، توده های زحمتکش از جدا قل و سائل بیدار شده و رفاهی نیز بی بهره اند، کارگران با زندگی سخت و طاقت فرسا، تحت شدیدترین استثمار و بهره کشی ها قرار دارند، برای پنجه زدن و کارگر یک خوابگاه وجود دارد، در این خوابگاهها، عده ای کارگران بیکار زندگی می کنند. به بیکاران از آن رواج دارد و رودیه این خوابگاهها داده میشود که از آنها بعنوان ارتش ذخیره کاراستفاده نمائند و رودیه روی کارگران شاعقل قرار دهند. زنان حق رودیه این خوابگاهها ندارند، زودر نتیجه کارگران مجبورند خانواده هایشان را رها کرده و برای ابتدائی ترین زندگی گامه دلتها بیکار روتنها در این اردوگاهها زندگی کنند، کارگران حتی از حق هرگونه تشکیلی محروم اند. در نامیبیا هیچ نوع اتحادیه کارگری وجود ندارد، دولت، مانع

هرگونه سازماندهی کارگری گذشته و هر حرکت اعتراضی را سرکوب میکنند، حتی در معادن بیابانه ای صا درشته که کارگران نامیبیا تعدادی ده ها شده اند و بجای آنها، مدیران کارخانه ها، کمپنیهای برای حل مسائل آنها تشکیل میدهند.

تاما این دسایین ها سیاستهای ضد خلقی و ضد کارگری نشان میدهد که قدرتهای حاکم در منطقه جنوبی آفریقا و امپریالیستها، مسئله را تنها از دید منافع انحصارات امپریالیستی می نگرند، یعنی منافع استراتژیک - نظامی است. نظامی آفریقای جنوبی با معادن طلا، لمان، ذغال، اورانیوم و ... دژ اصلی دفاع از سرزمینهای امپریالیستی و پیشبرداست فوق استعمار در منطقه جنوب آفریقا را تشکیل میدهد. آفریقای جنوبی و نامیبیا به تنهایی نصف طلای جهان را تولید میکنند و هر ساله میلیاردها دلار سود نصیب سرمایه های آمریکا می یابند. سرمایه گذارانی شده در این بخش از صنایع میگردند. بطوریکه تنها در سال ۱۹۸۰، شرکت های امپریالیستی ۹/۷ میلیارد دلار سود به جیب رده اند، و بی جهت نیست که دولت نژاد پرست پرتوریا هر حرکت کارگری را به شدیدترین وجهی سرکوب میکند و برای تامین منافع انحصارات غارتگر امپریالیستی به انواع شیوه های سرکوب پنهان و آشکار متوسل میشود؛ با اخراج کارگران، به خون کشیدن تظاهرات در اعتراض بسنه سیاستهای ضد کارگری و نژاد پرستانه، رشوه و امتیاز به کارگران سفید پوست جهت ایجاد دفترچه و جدا می بین کارگران، مما نعت از شکل گیری هرگونه تشکل کارگری کافی است. اشاره کنیم که در فاصله سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۹، ۴۵۵ کارگر کشته و هزاران نفر زخمی شده اند.

منطقه جنوبی آفریقا از نقطه نظر ژئوپلیتیک نیز برای امپریالیستها اهمیت بسیاری دارد. با قطع کانال سوئز، تمام حمل و نقل با بین غرب و آسیا و مراکز تولیدکننده نفت با یکدیگر از آفریقای جنوبی عبور کند، علاوه بر خطر معاهدات در از مدت تضمین استفاده از پنا در ساحلی برای امپریالیسم آمریکا امرحیاتی است.

اهمیت استراتژیک جنوب آفریقا، طرحهای تنها جمعی - دفاعی امپریالیسم خصوصاً "پس از از دست دادن سواحل آنگولا و موزامبیک و رشد و گسترش جنبشهای انقلابی و همچنین رشد نفوذ شوروی در منطقه، افزایش یافته است. کشورهای آفریقای جنوبی همراه با برزیل و آرژانتین یکی از دستنمایان تامین دفاع از آتلانتیک جنوبی است و بهمین خاطر است که امپریالیستها به سر سیاستی جهت "نجات جنوب آفریقا توسل می جویند و از هیچ اقدام جنایتکارانه ای علیه خلقهای آفریقا روی گردان نیستند و بهر حلیه و سیرتکی توسل می جویند تا مانع رشد جنبشهای رها نشی بخش و استقلال واقعی خلقها گردند، و "نجات نامیبیا هم که امروز در دستور کار امپریالیستها قرار گرفته نیز در رابطه با همین سیاست پیشبردا منافع امپریالیستی قرار دارد.

امپریالیستها همواره از وجود اردن ابزاری جهت دفاع از آتلانتیک جنوبی سخن می گفتند و شکل گیری پیمان آتلانتیک جنوبی (سا تو) را نیز دقیقاً در رابطه با اهمیت منطقه جنوب آفریقا و نیز آمریکا و لاتین با پنا در زیا بی کرد.

با این حال طرح پیمان سا تو زمانیکه در دستور قرار گرفت و گامیهای دیپلماتیک و نظامی برداشته شد که امپریالیستها به اهمیت شکستهایشان در مخروط جنوبی آفریقا - پی بردند.

مسائل مربوط به کانال سوئز و در - بقیه در صفحه ۱۳



اهداف



پشت پرده

حمله دولت ...
 عقبه از صفحه ۱۲
 ستیزهای بین المللی و نیز صورت -
 دسترسی سریع به مراکز نفتی جهان موجب
 گردیده که قانون ستیزا طرف جنوب آفریقا
 مرکز بیشترین توجه در طرح های آنها می -
 دفاعی امپریالیسم قرار گیرد ولی دقیقاً
 در همین منطقه بود که امپریالیسم شکست
 های مهمی متحمل گردید و بطوریکه آزادی
 آنکولا و بیروزی خلق موزامبیک و کینه بیا شو
 شعله ای بود برای خلع و بریدن مبارزات
 رهائی بخش نامیبیا و آفریقای جنوبی که
 محروپ جنوبی را به حرکت در آورد.
 از این رو امپریالیسم همراهِ بیا
 پیشبرد سیاست عقب نشینی منظم نیروها -
 بین و تلاش در جهت تضعیف جنبش انقلابی در
 محروپ جنوبی آفریقا، در پی ایجاد مگانیم
 های دفاعی برای مدک به سوی آجا زده هدر ر
 لحظه مناسب حولات جدیدی علیه نیروهای
 مترقی در آفریقا بنما بد. هم چنانکه همین
 نسبت را برای تقویت فدا انقلاب در آمریکا
 لاتین در سداشت و شکل گیری بیسمان
 "ساتو" در واقع بیا رندی فتنه چینی -
 ایده ای بوده است.

بنا بر این تعجب آورنده که پس از
 کودتای نظامی در برزیل و آرژانتین که
 قدرت امپریالیسم را در منطقه تحکیم بخشید،
 سران نظامی آرژانتین، برزیل و آمریکا
 شمالی بعنوان نخستین بیان عینسی
 تلاشهای مشترک امپریالیسم و قدرتها ی
 محروپ جنوبی جهت طرح بیا ن نظامی
 دفاعی از تانزانیک جنوبی کرده اند و
 بعدها با حضور دولت آفریقای جنوبی در
 جریان این شکل گیری، "ساتو" با لاشه
 نیروهای اصلی اش را گرد آورده بطوریکه
 این حضور، سازمان نظامی درون قاره ای
 را مشروعیت بخشید.

حضور آفریقای جنوبی در طرح امپریالیستی
 دفاعی از تانزانیک جنوبی، مسئله اساسی -
 است، چون رژیم برتوریا، با یگانه اصلی
 دفاعی زمانه امپریالیسم در جنوب آفریقا
 است و حضور آن در "ساتو" موجب گردیده که
 بریتانیا نیز که سرما به گذار اصلی در -
 اقتصاد آفریقای جنوبی است به بیا ن
 نظامی ملحق شود.

امپریالیسم و دولت های فدا انقلابی
 منطقه جنوبی آفریقا و آمریکا لاتین،
 همواره تلاش میکنند، همراهِ با مذاکراتی
 دربارها راه حل های جهت عقب نشینی در
 آفریقا، این راه های نظامی بکار برنده که
 به آنها اجازه دهد با نیروهای انقلابی در
 منطقه مقابله کنند و "ساتو" یکی از اساسی
 ترین ابزارهاست که می توان در هم زمان
 که لازماً به علیه انقلاب آفریقا بکار گیرد.
 امپریالیست ها با اتخاذ چنین سیاست -
 های، در واقع در پی راه حل های، آنکه در
 رویا روشی با کمترین جنبش انقلابی، -
 کمترین قربان به منافع شان وارد آید.
 سیاستی هم که اکنون در راه با نامیبیا
 پیش گرفته اند دقیقاً "ترجیح زینته ای
 استوار است، سیاستی که در مقابل بیا
 مواضع مستحکم رهبران انقلابی خلق نامیبیا
 (سوانو) دولت های مدافع استقلال خلقهای
 آفریقا چون جمهوری خلق آنگولا قرار دارد، طرح
 - هائی که امپریالیست ها در تلاش بیا ده
 کردن آن می باشند، در واقع شکل پنهانی
 برای ضایعاً از تحکیم انقلاب آفریقا
 است. هم انطور که زمانی دولت برپوریا

اعدام و محرومیت از تحصیل دانش آموزان بجرم مبارزه با امپریالیسم

هجوم آشکار و مستقیم به آزادیهای -
 دمکراتیک که نمره مبارزات خونین انقلابی
 خلقهای قهرمان ما است چنان ابتدا دگرگنده
 - ای به خود گرفته که رژیم جمهوری اسلامی
 آشکارا قوانین خود را نیز نقض می کند -
 حاکمیت که در آغاز تکیه بر اریکه قدرت،
 وعده میدهد "دولت موظف است وسایل آموزش
 و پرورش را بیکان را برای همه ملت تاپایان
 دوره، متوسط قرار هم سازد" به جای تا مین
 امکانها تا آموزش و بنا بودی سلطه امپریالیسم
 در کلیه مظاهر اقتصادی - سیاسی و فرهنگی
 قرار می دهد و در جاده و محیط آموزشی
 - یعنی با برتریهای آموزشی برای کلیه
 - نقات مختلف و بی ریزی فرهنگ بیا و
 انقلابی که خواست قشر عظیم به میلیون دانش
 آموزان آفرینندگان حماسه های ۱۳ آبان
 - ها، ابتدا و مزار خونین خلق قهرمان بود،
 ا فدا مایه حلال آموزش و پرورش، ایجاد دجو
 حقان در مدارس توسط لاشه های چا سوسی
 انجمن اسلامی، تقشیش عقاید سوسیال -
 "مورترینی" ضرب و جرح، اخراج و تبعید
 دانش آموزان و ایجاد همبازو لاشه -
 محرومیت از تحصیل و اعدای برای رایگان
 برای "همه ملت" نموده است.

رژیم که حرکت پرخروش و پرشور آن جنبش
 توفنده دانش آموزی را به عینت می دیدند
 و حشرده چهره ضد مکرر تکیه را در بیا ک
 سازی کتا خانه ها و کتب درسی از نظریات
 علمی، جلوگیری از فعالیت های سیاسی دانش
 آموزان و انحلال نهاد دمکراتیک و خود -
 انگیخته شور این با رزترین مبارز بیا ک
 نشان داد و بیا توسل به انواع دسیسه ها، سو
 درتپی ساختن مضمون انقلابی شورا و -
 تبدیل مشروعیت انقلابی آن به مشروعیت
 قانونی و با لاشه عر ضه بیکه سازی و جولانگاه
 انجمن اسلامی نمود.

مسئولان آموزش و پرورش هراسان از
 جنبش پیش رونده دانش آموزی با اعلام -
 "بیت آزا د در کلاس ممنوع است - مدارس،
 به علت اینکه دانش آموزان هنوز به سن
 قدرت انتخاب نرسیده اند بیا بید محل آموزش
 باشد، باید دیگر وحشت خود را از رشد آگا جی
 توده ها به نمایش گذارند. به راستی از
 این مقامات انقلابی بیا بپرسید که آیا
 دانش آموزان فقط هنگام جمع آوری آراء و
 اعدا به بلوغ جسمی، فکری و قدرت انتخاب
 می رسند؟! حاکمیت که در سال تحصیلی
 گذشته با انواع نیرنگها و اعمال سرکوب -
 گرانده اش از جاسوسی پروری تا اخراج و

تبعید دانش آموزان مبارز، از اشغال -
 مدارس توسط پادشاهان رژیم - ۳ بدست
 انحلال آموزش و پرورش در کردستان و -
 لرستان قان در شش ماهی در برابر ترس
 دانش آموزی ایجا دنما بد بخوبی می دانند
 که دانش آموزان در برابر برتراج دست -
 آورده های قسا م و نقض کامل آزادیهای
 دمکراتیک و استقرار دیکتاتوریه سباهرگز
 خاموش نخواهند بود. بهمین جهت سعی دارد
 تا در سال تحصیلی جاری بیا ایجا د معیارها
 و ضابطه های گوناگون از ثبت نام دانش
 آموزان مبارز در مدارس جلوگیری کند بیا
 این خیال باطل که شایسته بیا و دانشجویان
 سزاه جنبش توفنده دانش آموزی گردید.
 در بخشها ما علام شده از سوی دفتر آموزش
 فنی حرفه ای آمده است که "از ثبت نام -
 هنرجویان اخراجی سایر هنرستانها و هنر
 حویان بی که در سال گذشته موجب بروز ناراحتی
 (بخوان نا را حتی برای امپریالیسم) شده
 و اخراج شده اند بیا بعلت انجام ما موریت
 های سیاسی در ارتباط با گروهکهای غیبتهای
 مکرر داشته اند خود داری شود."

پدران، مادران قهرمانان! هم میهنان -
 مبارزان!

ما هرگز خاطر هاجنا بیا زیبا و فدا کارهای
 فرزندان رزمنده و قهرمانان را که
 بسا ری زانان که هم اکنون در زندانها
 هستند و عطر خون عده ای از آنان هنوز در
 فضای جامعه میسازد مبرس دفرا موش نخواهیم
 کرد. به حمایت فعال از فرزندانمان بیا
 خیزیم و دوشا دوش آنان در سنگرهای
 مقاومت و مبارزه در برابر اعمال ضد
 دمکراتیک رژیم پادشاهی نماییم و اجازه
 ندهیم که جگر گوشه هایمان را از حق مسلم
 و ابتدائی تحصیل کردن محروم سازد.
 دانش آموزان مبارزان!

برای حمایت فعال از همزمان و هم
 سنگرهایمان در مقابل اعمال ضد
 دمکراتیک رژیم پادشاهی خیزید و بیا ایجا د شکل
 های دمکراتیک و واقعی خود بیا ردیگر
 استعداد دوتوان انقلابی خود را به نمایش
 بگذارید.
 کانون مستقل معلمان در تهران در ضمن
 محکوم نمودن نقض آزادیهای سیاسی
 توده ها و اقدامات سرکوبگرانه حاکمیت
 پشتیبانی خویش را از دانش آموزان مبارز
 اعلام میدارد.
 کانون مستقل معلمان تهران ۱۳۴۰/۵/۱۸

اعلام داشت که دولت موقت درنا میبیس
 - NAHIBEA شکل خواهد گرفت که از
 رهبران با توستان BANTUSTAN (زاد دوم
 - های آفریقای) و از طریق انتخابات -
 تشکیل میشود، بدین ترتیب میخواهند
 که سوا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا
 نماید. معنای واقعی تلاشهای امپریالیست
 - ها برای حل مسئله نامیبیا و مذاکرات
 و نشستهای گوناگون نیز دقیقاً "جهست
 سرکوب جنبش انقلابی و حفظ رژیم حاکم
 است. آنها میخواهند بدین ترتیب رژیم
 آفریقای جنوبی و دولت دست نشانده اش
 درنا میبیا را در برابر انقلاب یاری رسانند
 و آنچنان استقلال را به خلق نامیبیا
 و تحمیل نمایند که منافع آنها را تا امپریالیست
 لیستی در منطقه را تا مین نمایند.
 لکن استقلال نامیبیا مسئله ای نیست

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش سراسر جهان



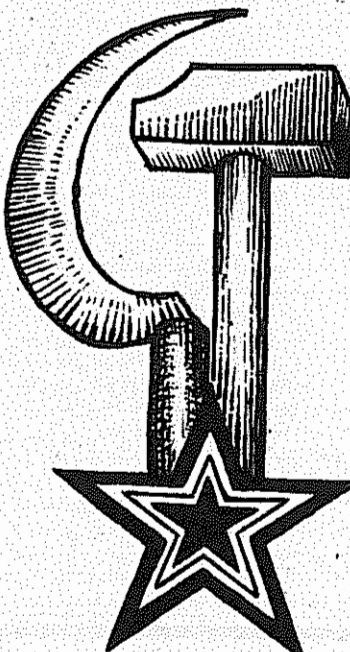
مردم چه میگویند،

مردم چه میخواهند؟

بقیه از صفحه ۶

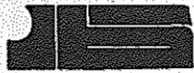
تومان داشتیم به جان بچمان لان یک تومن دارم چون بول نهانها رهنمندا شتمنها رنخوردم بیست تومن روهمیک بسته سیگا خریدم - "اشاره ای به کیسه بلیطهای پا ره میکند و میگود "اون موقع درازای اینها روزی ده تومن به ما میدادن وما دلمون خوشبود ولی حالا این بیشرفها این راهم قطع کرده اند "بعدکا غدی از جیش در آوردوبه من نشان داد حکمی بودیا امضای مدیر عامل شرکت واحد برا درمتصور رضوانی که در آن نوشته بود چون فروش کم است -

پرداخت کارانه قطع میشود برای کارگران آرزوی پیروزی کرده بود. گفتم بیشرف ها روز بروز یک چیزا زکا رگرا ندم میکند و بعدهم آرزوی موفقیت می کنند "را ننده گفت "میخوا هم نکنند اگر اسلام اینه من خدا سلام منوتا بحال دودفعه بردن سیاسی ایدئولوژی و از تمهدگر فتنده کها گریار سوم سرکاره رت به اینجا بیفته بدون حقوق و مزایا اخراجی به من میکن چرا می گی من گرسنه ام، چرا می گی بچه ها پم لختن دست آخر موقع پیدا شدن بمن گفت "سرکار شما با یدارتوی پا دگانه ها را داشته با شیدو بموقع کارا تمام کنسد "من که دیگر چیزی نداشتم به او یگویم گفتم "خیلی زود درست میشه، خیلی زود مردم دست به حرکت میزنند ما هم هواداریم و موقع پیاده شدن - دستهایش را چون دستهای یک رفیق فرسدم .



با کمکهای مالی خود
سازمان رایاری رسانید

رفقای ساری	۱۲۱۰۰	پ	۲۰۳	سوسر	۲۰۰	صمد	۲۰۰	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای قزوین	۵۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای قزوین	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای تبریز	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای تبریز	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای ارومیه	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای ارومیه	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای زنجان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای زنجان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای اصفهان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای اصفهان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای خراسان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای خراسان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای گیلان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای گیلان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای مازندران	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای مازندران	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای کردستان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای کردستان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای بوشهر	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای بوشهر	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای فارس	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای فارس	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای هرمزگان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای هرمزگان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای چابکمار	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای چابکمار	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای میناب	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای میناب	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای بندرعباس	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای بندرعباس	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای بروجرد	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای بروجرد	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای خرمین	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای خرمین	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای نهاوند	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای نهاوند	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای کاشان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای کاشان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای اشتهاد	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای اشتهاد	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای آمل	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای آمل	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای فیروزکوه	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای فیروزکوه	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای کرج	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای کرج	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای قزوین	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای قزوین	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای اراک	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای اراک	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای تهران	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای تهران	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال	۲۰۰۰	س	۲۵۰	زلمنا	۱۵۱۸	کوپین	۷۴۳	الف	۱۱۱۱	۷۰۰	۵۵۵۵	۵۰۵	۵۰۱۲	۵۰۱۳	۵۱۲۳	۵۳۲۱	۴۲۰
رفقای اصفهان	۱۰۰۰۰	ب	۲۱۲۲	رفقای اصفهان	۲۳۴۰	ق	۸۲۵	رفقای اراک	۷۴۴	س	۲۰۰۰	ف	۲۶	کوپین	۲۹۸	رفقای ماشین سازی	۳۰۰۰	ریسال																	



برنامه دولت با اصطلاح مکتبی

آموزش و پرورش در مورد معلمین مبارز و آگاه است. در ظرف دو سال و نیم گذشته هزاران معلم مبارز و متعهد مشمول اخراج، پاکسازی، انتظا رخصت شده و بسیاری از آنها روانه زندان گردیده اند. بزعم سردمداران رژیم این اقدامات ضد خلقی کافی نبوده و اکنون تصمیم دارند بموجب لایحه با زسازی عده بیشتری از آموزگاران را اخراج کرده و با به تسلیم در مقابل رژیم وادار کنند و تاکنون بسا گذاشتن برنامهای ایدئولوژیک در تابستان سعی کرده اند از طرفی معلمین مبارز را شنا کنند و از طرف دیگر معلمین را با اصطلاح مکتبی کنند! اصرا روی حجاب اجباری در مورد معلمین و محصلین هم از موازین فشارهاست که تصمیم دارند با سال باشد هرچه بیشتر روی آن بکوبند.

با این برنامه های سرکوبگرانه است که رژیم تصمیم دارد بدست عنصر خائن و پلیدی چون پرورش جنبش توده ای دانش آموزان و معلمان را که در سال گذشته رژیم را بسته آورده بود، سرکوب کند. اما بمصداق مثل معروف "شتر در خواب بیندیشید" نه، رژیم ضد خلقی تنها قادر است در خواب و خیال جنبش دانش آموزان و معلمان را سرکوب کرده و از اوچ آن بکا هد!

کانون دیگر جنبش توده ای کارخانه - جات است که رژیم بیش از همه از آن - و همه دار و دوهمین دلیل دولت حزبسی، برنامهم مشخص برای سرکوب آن دارد. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پرورش به آذینها و آذینها عدا مهای دسته جمعی اش پرورش به کارخانه ها را آغاز کرد، اکنون رژیم می کوشد با تسلط انجمن های اسلامی کارخانه و بدست گرفتن شورا های کارخانه جات و از محتوا خراج ساختن آن به سرکوب جنبش کارگری بپردازد. با این ترتیب برنامه سرکوب خود را به موازات سرکوب سازمانها و نیروهای انقلابی، در کارخانه ها به مورد اجرا گذارد.

برنامه دیگر رژیم مقابل بله با یکی دیگر از کانونهای ناراضی و اعتراض علیه رژیم یعنی ادارات است که رژیم با تمام تهدیدات، اخراجها، پاکسازیها توانسته بر آن مسلط شود. برنامه "قلع و قمع" اکا رمندان قرار است تحت عنوان انقلاب اداری صورت گیرد. همه وزراء بسرا این کار آمده میشوند و همه منتظر تصویب قانون با زسازی هستند که بسا سرعت موآد ن در مجلس تصویب می رسد. مقدمتا "این انقلاب اداری" از سازمان برنامه و بودجه شروع گردیده است. پس از تعطیل ده روزه این اداره، تعدادی از کارمندان دستگیر، عده ای به دادستانی احضار و عده ای همگرم ششماه از خدمت معاف شدند. خلاصه از دو هزار کارمندان تنها حدود شصت نفر بر سر کار ماندند و بقیه بنحوی از کار برسیا ر شده اند. پیاپی در این برنامه در سازمان برنامه و بودجه آزمایشی است که با تجربه از آن بتوانند این امر را در ادارات دیگر پیاده کنند. با تصویب لایحه با زسازی (که ما در مقاله دیگری به بررسی تعلیم آن خواهیم پرداخت) و شروع با اصطلاح "انقلاب اداری" نظیر "انقلاب فرهنگی" پرورش به ادارات شروع خواهد شد تا بدینوسیله با اصطلاح خودشان این کانونهای ناراضی را می توانند پنهان نسلی برای اعتراضات بقیه در صفحه ۱۶

چیزهایی بوده که تاکنون کم و بیش در دستور دولتهای قبلی بوده است و توده های نتایج مشعشع و انقلابی! آزاد عمل دیده اند! معلوم است آنچه دولت به مردم خواهد داد، چیزی تا زهای نخواهد بود. اما آنچه قابل توجه است اینست که برنامه های سرکوب دولت بشکل سیستماتی ارائه شده است. این برنامه شامل دو قسمت در ارتباط تنگاتنگ با هم اجرا میشود:

۱- سرکوب نیروهای انقلابی که تحت عنوان "مبارزه قاطع با گروهکهای مسلح" عنوان شده و عملکرد نیروهای سرکوب با سداران، بیدادگهای با اصطلاح انقلاب زندانها، جوخه های اعدام و جوخه های مرگ در خیابانها و سازمانهای سازمان اطلاعاتی (سا و ما) است که به گشتار و سرکوب انقلابیون می پردازد و تاکنون هزاران نفر از بهترین فرزندان د لاور خلق با زداشت و بزییر شکنجه برده شده و نزدیک به هزار نفر جوخه های اعدام سپرده شده و بیش از ۲۰۰ نفر در درگیریهای خیابانی شهید شده اند.

۲- سرکوب جنبش توده ای که بصراحت در برنامه متبیا مده ولی در برنامه های وزراء مختلف آمده است. این برنامه های سرکوبگرانه می باید در مدارس، کارخانه - جات، در ادارات و در ارتش و شهرهای و زارتاد مرمری مورد اجرا گذاشته شوند. پرورش این عنصر فرصت طلب، بی شخصیت و ترسو که سنگ سپردگی با ستان شاه را قبول کرد و کوس رسواشی سابقه کشیف او حتی در مجلس بی غیر "وبی آبروزده شد و خلقالی اورایی عرضه و ترسو و بی دل لقب داد!، مجری طرح سرکوب دانش آموزان و معلمان شده است. او در اولین مصاحبه پس از تصدیق به وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: "سال آینده با بسد سال حاکمیت حزب الله در مدارس باشد!" طرح رژیم برای مدارس از مدتی قبل به مرحله اجرا درآمده است. این برنامه شامل محصلین و معلمین هر دو می باشد. در مورد محصلین از مدتی قبل طی بخشنامه - ای از تمام مدیران مدارس خواسته شده است که از اسم نویسی محصلین مبارز و آگاه جلوگیری کنند و جوخه بسا آنها را به ما مورین تحویل دهند. علاوه بر آن از محصلین و اولیاء آنان تعهد گرفتند - میشود که اگر کوچکترین فعلی کنیند اولیاء مدرسه میبایست آنها را بفروریت اخراج کنند. از طرف دیگر میخواستند بسا مسلط کردن انجمن های اسالی در مدارس به رواج جاسوسی میدان داده و هرگونه جنبشی را در مدارس توسط او با شان حزب الهی سرکوب کنند. در این باره رئیس جمهوری سابق، رجایی هم به میدان آمد و با پذیرفتن نمایندگان انجمن های اسلامی مدارس به آنها دستور - العمل داده و اعلام کرد که اعضای انجمن - های اسلامی در مدارس حکم سربازان در جبهه را دارند! تا بلکه بتوانند محیط مدرسه را مثل سربازخانه کرده و دیسپلین و مقررات سربازانه را در مدارس برقرار کنند!

بخش دیگر سیاست سرکوب رژیم در

بقیه از صفحه ۱
با این ترتیب رژیم میخواهد اوانمود کند که تمام اشکالات مکتبی، نداشتن هیئت دولت تمام و کمال مکتبی بوده و این امر هم بدلیل وجود لیبیرالها در حاکمیت و یکبارچه نبودن حکومت بوده است، و حال آنکه این "مشکل" رفع شده و حزب جمهوری اسلامی کاملاً بر واقع مسلط شده دیگر همه کارها درست خواهد شد! با هنر این معنی را بصراحت در مجلس بیان کرد

او گفت: "بناچار آمده شده اند، گروهکها شناخته شده اند، ملت و ارت اصلی انقلاب است ارت خود را بدست گرفت و متولیان واقعی انقلاب (بخوان سردمداران حزب جمهوری اسلامی) توانستند به تولید قطعی برسند!"

می بینیم که رژیم ادعا میکند که حلال مشکلات را یافته است. اما همه میدانند که واقعیت غیر از اینهاست. آنچه رژیم از ابتدای تشکیل با آن دست بگریبان بوده اما به بحران اقتصادی - اجتماعی، بیگاری، کمبود رزاق، تورم زیاد الوصف، تشدید مبارزه طبقاتی، گوش حکومت در زابتدای خواستهای اقتصادی و دمکراتیک توده ها و سرکوب خشن و غیر آ میز خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی است که بطور کلی در کاشاک انقلاب و ضد انقلاب تبلور پیدا کرده و میکند. در این میان مسائلی نظیر بحران گروگانگیری، جنگ ... که همه از ما هیت برتفا دادین رژیم نشات میگیرد با این بحران عمیق جا همه شدت بخشیده است. این مسائل اساسی هستند که نه دولت موقت با زرگان، نه حاکمیت شورای انقلاب، نه حکومت بعدی بنی صدر - رجایی و نه حکومت یکبارچه حزب جمهوری اسلامی قادر به حل آن نبوده و نیستند. و حال آنکه جرات میتوان گفت که حاکمیت بلا منازع حزب به تشدید بحران بیش از پیش دانش زده و با شروع جنگ داخلی و درگیریهای خونت با رود سنگیریها و عدا مها بحران اقتصادی - اجتماعی به اشد خود رسیده است و از آنجا که حاکمیت کنونی قادر به حل آن نیست به تنها حربه ای که تمام رژیمهای متاسل و ضد خلقی در دستم دارند یعنی سرکوب خشن و آشکار متوسل میشود. اینجا است که می بینیم شاه بیست تمام برنامه های حکومت حزب جمهوری اسلامی (اعم از جانی، با هنر، مهدوی کنی و هر که در آینده باشد) سرکوب است و - سرکوب است و سرکوب.

با هنر در صدر برنامه اش که در مجلس اعلام کرد "مبارزه قاطع با گروهکهای مسلح" را تا بهر دو تمام برنامه های روزمره دولت، وزارتخانه ها، ریاست جمهوری و خطبای های خمینی، شورای عالی قضایی، خطبای نماز جمعه ها و در سراسر ایران تمس سرکوب دور میزند و انتظا ر نمی رود برنامهم دولت گنی جز این باشد. بقیه برنامه ها که توسط با هنر اعلام شده است نظیر "دولتی کردن تجارت - خارجی نظیر بهره کشی در محیط کنار، خاتمه دادن به سودجویی و خاک با زی در معاملات ارضی شهری، اجرای اصلاحات ارضی اسلامی و اجرای تمام احکام اسلام"

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلیش



نمایش مضحکی بنام مصاحبه تلویزیونی

بقیه از صفحه ۱

اسلام افتاده بودند، حتی کا تولیک تو، از باب در آمدند، اما در تمام این مصاحبه ها رژیم سعی داشت دو مسئله را از زبان آنان بیان کند.

مسئله اول این بوده که نامدین یکی از دلایل ندامت خود را وجود زندان نیسان وابسته به رژیم گذشته در زندانها میدانستند آنان چنین استدلال میکردند که چون برخی عناصه رژیم شاه در زندان هستند پس رژیم کنونی انقلابی است!

در اینجا وارد این بحث نمی شویم که چه بسا عناصه رژیم گذشته از جمله سران ارتش و ساوا کیها که در جریان قیام دستگیر شده بودند از آمدن و در ارگانهای مختلف از جمله "ساوا" به خدمت گرفته شدند و آن بخش که در زندان باقی مانده اند به جاسوسان رژیم در زندان مبدل شده اند و دوره کارآموزی را میگذرانند، عناصری چون شیخ الاسلام زاده حتی آزادی سرکشی بخانه اش راهم دارد.

اما حتی اگر تمامی عناصر وابسته به رژیم گذشته دستگیر و اعدام شده باشند باز دلیلی برحقانیت رژیم نیست بلکه باید دید شیوه برخورد رژیم با توده ها چگونه است این امر ملاک قضاوت است نمیتواند باشد. در رژیم گذشته هنگامیکه شاه سقوط رژیمش را احساس میکرد حتی هویدا و نصیری را بنامه سربلاگردان خود به زندان انداخت. آیا شاه انقلابی شده بود یا رژیم کنونی ترکیه که هم دست راستی های فاشیست را بیزندان می افکند و هم انقلابیون دمکرات و کمونیستها را، و در زندانهای ترکیه هر دو دسته در کنار هم با زداشت و محکوم می شوند و حتی اعدام میگردند، آیا میتوان بر اساس این حقیقت حکم است داد کرد که رژیم ترکیه انقلابی است؟

و یا پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در روسیه حکومت کرنسکی هم طرفداران تزار را سرکوب میکرد (اشاره به شورش کورنیلوف) و هم بلشویکها را، آیا حکومت کرنسکی انقلابی بود؟ در این مورد لنتین در پاسخ به چاکران بورژوازی گفت: هر کس بگوید که رگران بمنظور مبارزه با

ارتجاع تزارسیم، باید از دولت جدید پشتیبانی کند، نکس به کارگران و راه پرولتاریا و امر صلح و آزادی خیانتت ورزیده است... خیر، برای مبارزه واقعی بر ضد سلطنت تزاری، برای تامین واقعی آزادی، که فقط در گفتار و فقط منحصربه مواعد و شیرین زبان نهیهای میلیوکف و کرنسکی نباشد، دولت جدید باید از کارگران پشتیبانی کند، نه کارگران از دولت جدید (اشاره هائی از دور).

در همین رابطه رژیم علاوه بر نمایش مصاحبه ها، در تبلیغات رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی هم که در دست در اختیار دارد، همواره چنین و آنهمه نمایشی در سلطنت طلبان و نیروهای انقلابی

جبهه متحدی را تشکیل میدهند که وجه اشتراک آنان توطئه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است! اینکه در شرایط کنونی وابستگان رژیم گذشته اعم از سلطنت طلبان درباری و طرفداران بختیار که نمایندگان مستقیم انحصارات امپریالیستی در ایران بوده اند و هم اکنون خواستار سرنگونی رژیم کنونی اند، نمی توان تردیدی داشت اما همانطور که گفته شد آنان خواستار بازگشت حاکمیت انحصارات امپریالیستی نظیر حکومت شاه میباشند اما هدف انقلابیون از سرنگونی رژیم کنونی همانا برقراری حاکمیت کارگران

دهقان و دیگر زحمتکشان است و ما هیتا با اهداف ضد انقلاب مغلوب متفاوت و اساسا "متفاد است، یعنی انقلابیون ایران معتقدند که رژیم کنونی کلاه نمائنده بورژوازی تجاری است. باید

سرنگون شود و حاکمیت کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان برقرار گردد. تضاد انقلابیون با سلطنت طلبان فراری و وابسته به رژیم گذشته تضاد انقلابیون و انقلاب و ضد انقلاب است و حال آنکه تضاد رژیم جمهوری اسلامی با این مزدوران امپریالیست تضادی در درون یک طبقه یعنی تضاد جناحهای مختلف بورژوازی میباشند و گرچه با هم اختلاف دارند اما هر دو جناح ضد انقلابند.

اما نکته دومی که در مصاحبه رژیم سعی دارد از زبان مصاحبه کنندگان با زگو شمایند این است که: با سادارانش از طبقات محروم جامعه برخاسته اند و آنان از طبقات مرفه نیستند! اما عروسکان کوکی مصاحبه کننده که این جملات رژیم را نشنوا می کنند و بیخیال خود می خواهند اصطلاح با سادار و سرما یسه را که از سوی سازمانهای انقلابی بدان اطلاق می شود نمی نمایند، آنقدر مرعوب شده اند که نمی فهمند با سادار و سرما یسه همان سرمایه دار نیست بلکه مزدور

حاکمیت حامی سرمایه داران را پیشه کرده اند و همین جهت مجری سیاستهای سرکوبگرانه رژیم علیه توده های زحمتکش و انقلابیون خلق شده اند و رژیم بدست همواره آماده اند تا هرگونه اعتراضی را خفه سازند از همین روست که با سادار سرما به لقب گرفته اند. آنان هم اکنون به نیروئی مافوق مردم و به ارگان ستمگری طبقه سرمایه دار بدل گردیده اند با رکیسم عمیق پدیده را می بینند و سطحی به مسائل نمی نگرد. مثالی تاریخی در این مورد بجاست. در حکومت کرنسکی وزیر کار یک کارگر بود اما بخدومت سرمایه داران درآمده بود، هنگامیکه کارگران روسیه اعتصاب کرده بودند و در سخنرانی برای کارگران گفت که من هم مثل شما یک کارگرم اما باید یسه سرمایه داران هم حق داد که از سرمایه

شان سود ببرند، چرا تقاضای اضافه دستمزد می کنید؟

در این رابطه مثالهای زیادی میتوان زد. مثلا زندانها نمانند زندان اوین در زمان شاه نیز عمدتا از طبقات محروم جامعه بودند که بدلی فقر و بیگاری به سوی ساواک جلب گردیده بودند و در میان سپاهیان هیتلر، کارگران، ناآگاهی بودند که با تحقیق و فریب و تحریک احساسات شونیستی جلب سازمان فاشیست هیتلری گردیده بودند. و ناآگاهان به خدمت سرمایه داران درآمد بودند، اگر هیتلر تحت پوشش نژادپرتر مردم آلمان را در خدمت سیاستهای تجار و کارخانه خود بخدومت گرفت، رژیم جمهوری اسلامی و در اس آن خمینی از طریق مذهب بر تریا اسلام، سیاستهای رایج پیش می برد.

رژیم جمهوری اسلامی بیهوده میگوید از زبان مصاحبه گران با این بیان که با ساداران از طبقات زحمتکش اند مردم را بفریبند. مردم با ساداران را با سیاستی که به پیش می برند و اینکه منافع تجار مکتبی و سایر سرمایه داران و زمینداران را تامین می کنند می شناسند. اکنون مردم در تجربه روزمره خود در یافته اند که با ساداران از این مسئله که بگذریم در جامعه تمامی مصاحبه کنندگان، بر این نکته نیز تاکید داشتند که آنها تحت فشار و شکنجه و آزار به این نمایشات نشده اند بلکه آگاهان و پس از اینکه مدتی در تنهایی بسر برده اند ناگهان فهمیده اند که تاکنون اشتباه کرده اند و آنقدر بر این امر اصرار دارند که بر سوائی شان می افزاید. حال آنکه مردم که تجربه نمایشات آنها را هنوز بخاطر دارند، قضاوت خود را از پیش کرده اند. و این نیرنگ نیز همچون سایر حیلله های رژیم کار زبیش نخواهد برد.

هموطنان مبارز!

اعلامیه هایی که بدست شما میرسد در زیر سر نیزه های رژیم خونخوار جمهوری اسلامی با زحمتی شبانه روزی و به بهای به خطر افتادن جان دهها تن از فرزندان شما تهیه گشته و بدست شما رسیده است. بعد از خواندن آنها را به دوستان و آشنایان خود بدهید و در صورت امکان آنها را به هر طریق که میتواند تبلیغ کنید و پخش نمایید.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

گرامی باد خاطره رفیق شهید جمیل اکبری

رفیق جمیل اکبری آذر در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده کثرت فرزند را با غلبه از توابع خوی بدنیآ آمد، زندگی سختی را با کار کردن در آنجا گذراند را نبود در سال ۵۶ موفق به گرفتن دیپلم شد و در همان سال توانست به رشته کارشناسی دانشکده کشاورزی تبریز وارد شود. رفیق جمیل پس از قیام با تمام وجود برای خدمت به خلق به همکاری با سازمان پرودا رفت و پس از آن شغاب بطور غیربسیار طبیعی در راه طرد سا زشکاران و غیاب نسبت پیشگان گام برداشت. رفیق سه با متوسط کمیت و با سدا را در سرما به دستگیر شدن و چندی آزادی از زندان در راه طرد سا زشکاران گام برداشت. رفیق سه با متوسط کمیت و با سدا را در سرما به دستگیر شدن و چندی آزادی از زندان در راه طرد سا زشکاران گام برداشت. رفیق سه با متوسط کمیت و با سدا را در سرما به دستگیر شدن و چندی آزادی از زندان در راه طرد سا زشکاران گام برداشت.

پنت است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگوار

من در تمام عمرم اینچنین شادی را احساس نکرده بودم چرا که در راه خلق جان باختن از بهترین آرزوهایم است

مهدی یوسفی

بخشیده بودند. رفیق مهدی یوسفی در اوایل خرداد ۵۷ ضمن بخش نشريات سازمان در یکی از محلات فقیرنشین تبریز مورد حمله جیره خواران رژیم قرار گرفته و به زندان افتاد. او در هشتم مرداد ماه به جرم قداشی خلق بودن در حالیکه حتی جزئی ترین اطلاعات خود را از دشمن پوشیده داشته بود شجاعانه به استقبال جوخا عدا مشتافت. او پس از شنیدن حکم عدا خویش نوشت: "من در تمام عمرم این چنین شادی را احساس نکرده بودم چرا که در راه خلق جان باختن از بهترین آرزوهایم است". او در نامه کوتاهی به سازمان نوشت: "با درود به خلقهای قهرمان با درود به سازمان چریکهای فدائی خلقی ایران! ما از مرگ قویتریم و در راه خلق همه وجودمان را با یقین کفیم. ما به داری هر لحظه از ما هراس دارد و به همین خاطر ما شهید میگردیم. من از سازمان میخواهم که راه اصلی در پیش گرفته و راه نفوذ بیوتنیسم را بگیرد. مرگ برای من بسیار شیرین است به سرکردگی آمریکا و با نگاه خلیش زنده با دکومنیسم تنها راه نجات انسانها! با دشمن زنده و راهش پا پیدار باد!

خون رفیق فدایی "مهدی یوسفی" ستاره سرخی شود در نقش ونگار سازمان شقایق آذربایجان جای گرفت. با ردیگردست جنایتکاران سازمان به آری در پیدا دگا ههای رژیم جمهوری اسلامی رفیقی را از صفوف مبارزه برود. رفیق فدایی "مهدی یوسفی" از جمله رفقای پرشور و با ایمانی بود که پس از قیام به فعالیت سیاسی روی آورد. وی بعد از آن شغاب را در تبریز و بیوتنیسمهای کمیته مرکزی راه انقلابی را برگزید و با پیگیری و شکار عظیمی به فعالیت در راه پیشبرد آزمانتها متعلق سازمان پرداخت. رفیق مهدی در جریان این مبارزه به دستگیر شدن در زمینه تبلیغ و شاعرانه فرهنگ انقلابی کشیده شد. صداقت، پشتکار و ایمان کمونیستی وی در اوچنان ظرفیتی آفریده بود که در مدت کوتاهی با بسیاری از مسائل و مشکلات زمینه فوق آشنا شد. تا آنجا که دست به تالیف جزوه ای تحت عنوان "ادبیات شفاهی از نظر مارکسیسم - لنینیسم" زد. او از تالیف قداشی چینی و مدد علیرضا و بهروز... بود که مبارزه شان را با عشق به فرهنگ و ادبیات خلقی استمداد خویشت رنگ و غنیابی تازه.

جانان را در آدامه کشتار فرزندانشان انقلابیانشان کوتاه کنند همچنین در رابطه با اعدام رفیق قداشی گوید: همدانی و دومجا هد شهید بنامهای تا صرحت و سید رضا موسوی که در تاریخ ۵/۱۲/۵۷ صورت گرفت روز ۵/۱۲/۵۷ زندان هوا دار. سازمان چریکهای فدائی خلق سازمان مجاهدین خلق مرا بسیار بدید مشترکی و با حضور سایر برزندگان عادی برگزار شد. این مراسم سرودها و انقلابی خوانده شد و سپس بنام نیه مشترک دوسا زمان قراشت گردید. در قسمتی از بنام نیه آمده است: ما زندانین سیاسی، ضمن گرامیداشتن خاطره ستن از شهدای خلق و در اعتراض به کشتارهای اخیر، با ردیگریا خلقی قهرمان خود بییمان می بندیم که تا نابودی هرگونه استبداد، استعمار و استعمار را تا سرور ما و کودتوسا برانقلابیون شهید را ادا نموده و انتقام خون شهدای خلق را از سرکوبگران خلق بگیریم.

**اعدام شدگان مرداد ماه بدست
جلادان جمهوری اسلامی
۲۶۵ نفر بود صفحه ۱۸**

گرامی باد خاطره رفیق شهید گودرز همدانی

رفیق در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده کثرت فرزند را با غلبه از توابع خوی بدنیآ آمد، زندگی سختی را با کار کردن در آنجا گذراند را نبود در سال ۵۶ موفق به گرفتن دیپلم شد و در همان سال توانست به رشته کارشناسی دانشکده کشاورزی تبریز وارد شود. رفیق جمیل پس از قیام با تمام وجود برای خدمت به خلق به همکاری با سازمان پرودا رفت و پس از آن شغاب بطور غیربسیار طبیعی در راه طرد سا زشکاران و غیاب نسبت پیشگان گام برداشت. رفیق سه با متوسط کمیت و با سدا را در سرما به دستگیر شدن و چندی آزادی از زندان در راه طرد سا زشکاران گام برداشت. رفیق سه با متوسط کمیت و با سدا را در سرما به دستگیر شدن و چندی آزادی از زندان در راه طرد سا زشکاران گام برداشت.

عادی و سیاسی را برانگیخت. پس از صدور حکم عدا رفیق و تا او پسین لحظات حیات بر افتخارش مزدوران رژیم پیش از ده بار از او خواستند که با مضای ندا متنازه از مرگ رهاشی یافته و از دشمنان روی کسه بسیاری از سران رژیم کمونیستی در دوران شاه کردند. ولی رفیق با قاطعیت در خور یک فدائی خلق، این تقاضا را رد کرد. و مرگ سرخ را بر تنگ تسلیم ترجیح داد. او یکبار ردیگریا است کرد که فدائیان راستین خلق هرگز به توده ها پشت نخواهند کرد و با لاف رفیق در سرگرمی سیزدهم مرداد. همراهدومجا هدرزمنده بنامهای شهید محمد رضا موسوی و شهیدنا صرحت از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، در حالیکه شعراهای سازمان را فریاد می کرد به جوخه اعدام میرده شود با خون سرخ شهادت انقلاب مردم قهرمان ایران را آتباری کرد. یادش گرامی با دورا هاش پا پیدار. بنام سبت شهادت این رفیق شاخه سازمان در تبریز و همچنین هواداران سازمان در دورود و هیئت موسی کانسون مستقل فرهنگیان بر وجود طی اعلامیه ها، ضمن محکوم کردن این جنایت رژیم و تحلیل از رفیق شهید از مردم قهرمان ایران خواستند که در مقابل هجوم فاساد گسیخته رژیم با کت نشینند و دست این

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد